صدد آن بود که مؤسسات مختلف اقتصادی و سیاسی و نظامی را به وجود آورد «امپراطوری غیر رسمی» را بصورت غیر مستقیم اداره نماید. تشکیل چنین مؤسساتی که زاده کمینفورم جهت بی اعتبار ساختن تیتوبوجود آمده بودند، آغاز گردید و مؤسسات اقتصادی کومیکان و پکت نظامی وارسا را نیز به دنبال خود به ارمغان آورد.

ستالین خواست تا با استفاده از اصطلاحات مجهول مارکسیزم تحت عنوان سوسیالیزم و به وجود آوردن کنفدراسیون سوسیالیستی، اقتصاد ممالک شرق را تحت نظارت و اداره مسکو در آورد. و با آنکه در نظریات مارکس مسایل مثل بوجود آوردن امپراطوری سوسیالیستی و اداره آن از یک مرکز واحد مثل مسکو یا پکنگ با مسئله اقتصاد بین المللی بوجود آوردن نظامی تجارتی سوسیالیستی خاص که ستالین در نظر داشت وجود ندارد اما ستالین به اثر خواسته و میل شخصی اش به این کار اقدام نموده میکوشید از سلاح ایدیولوژی جهت تأمین منافع ملی اش استفاده نماید.

تعداد زیادی از اهل نظر به این عقیده اند که شورای اقتصادی کو میکان همتای کمینفورم که انهم وسیله منکوب نمودن مخالفین ستالین بود، می باشد. این موسسه نیزیکی از وسایل تحصیل خواسته های کرملین بر ممالک اقمار بوده هدف ان استحکام امپراطوری روسیه می باشد و بس.

عده دیگری هم به این نظر اند که شورای اقتصادی کو میکان در جهت تمدید برنامه های اقتصادی روسیه ایجاد گردیده است زیر استالین خیلی ها مایل بود تا ممالک اقمار نظام های سیاسی اداری و اقتصادی مشابه روسیه را پیاده نموده وانر از سالم ترین نظام های رایج جهان معرفی دارند ستالین تحت تاثیر افکار ۱۰۱. ژد انوف که طرفدار سیاست (پیشرو) در ممالک اقمار بود رؤسای احزاب کمونستی ممالک اقمار را بحیث نماینده های نیمه آزاد مسکوی دانست رفته بود نظریات ژد انوف که با طرز فکر ستالین خیلی نزدیک بود در بوجود امدن کو میکان تا ثیرات مستقیم داشت و هدف ان پیشروی به سویه غرب از راه نفوذ در نظام های مختلف زندگی مردم آن سا ان بود.

گرچه در باره انگیزه های اصلی تشکیل پکت ها وبا زار های تحت نظارت روسیه تحقیقات زیادی صورت گرفته و هر محقق خطوط مختلف فکر را مطرح نمود و عقاید آنها متفاوت از یک دیگر می باشد اما انچه همه بران اتفاق دارند این است که ممالک ار وپای شرقی تحت تسلط مسکو در آمده اند استقلال واقعی انها در ساحه اقتصادی سلب وبه پیروی کورکورانه از نظام اقتصادی روسیه که با شرایط عینی ممالک اقمار ساز گار نمی باشد مجبور گردیدند. بدگمانی های ستالین در برابر غرب و هراس از اینکه مبا دا غرب در ساحه تحت تسلط روسیه نفوذ نموده اساس موجودیت آنر به مخاطره اندا زد ارو پای شرقی را بحیث دیوار مستحکم اعمار نموده ارتبا طات انرا متوجه مسکو ساخت.

ممالک اروپای شرق که بعد از جنگ جهانی دوم قادر به برقراری روابط تجارتی با غرب نبودند چاره‌یی جز رجوع به مسکو نداشتند زیرا اوضاع نا آرام منطقهٔ جنگ زده و قطع روابط سیاسی ممالک مذکور با غرب بعد از کنفرانس یالتا باعث شد تا ممالک اروپای شرق با روسیه قرارداد های تجارتی متعددی را امضاء نمایند. با

این ترتیب انها باید یا قراردادی به اساس شرایط روس با مسکو امضاء می‌نمودند یا هیچ قراردادی امضاء نمی‌کردند . روس ها به بهانهٔ اینکه مبالغ هنگفت خسارات جنگ را در طول جنگ‌جهانی دوم که این ممالک با روسیه جنگیده بودند متحمل گردیده است نظارت بر دستگاه های عظیم صنعتی ممالک اقمار و با عقد قرارداد های تجارتی بر اقتصاد ممالک اروپای شرق مسلط گردیده و مراکز مهم صنعتی را در کنترول خود در آوردند . چون ممالک جنگ زدهٔ اروپای شرق با روس ها جنگیده بودند قادر به پرداخت نقدی غرامات نبودند مجبور گردیدند که مبالغ مذکور را به صدور مواد خام مثل زغال سنگ مواد خوراکی به روسیه بپردازند . این امر باعث شد که روس ها به عنوان دریافت غرامات تجارتی اروپای شرق را در انحصار خود در آورند روس ها این فرصت را غنیمت دانسته قرار داد های تجارتی گوناگونی با آنها امضاء نموده و بدین ترتیب روابط آنها را با غرب قطع نمودند .

این روابط ابتدایی و قراردادهای تجارتی به منظور تشکیل کمپ سوسیالستی نبود بلکه همه به خاطر رفع حوایج موقتی و معاملات جنگی بود . آنها مکلف بودند که غرامات جنگ را بپردازند و آنچه در اختیار دارند به روس ها پیشکش نمایند اما بعد از اندک مدت که شبکه های اقتصادی ممالک مذکور در انحصار روسیه در آمد شکل موضوع تغییر یافت. ستالین به این فکر افتاد که بعد از اکمال غرامات جنگ ممالک اروپای شرق ادعای خود مختاری نموده حاضر نخواهند بود اموال شانرا بصورت انحصاری به روسیه بفروشند لذا در صدد طریق تازه شد تا بتواند سلطه انحصاری روسیه را بر این قسمت اروپا حفظ نماید. مخصوصاً همینکه میزان تجارتی روسیه با چکوسلواکیا ، هنگری و پولند در سال - ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ کاهش یافته به ۳۰ فیصد رسید ستالین فکر می نمود که سلطه روسیه بر اروپای شرق در زمان بعد از جنگ بلا منازع خواهد بود ولی مخصوصاً به این خاطر که حکومت های ائتلافی و بعداً کمونستی در این ممالک همه دست نشاندهٔ کرملین بود ، و اداره احزاب کمونستی بدست ماسکویت ها Moscovit میباشد اطمینان خاطرداشت و می اندیشید که هر نوع شورش و نا آرامی در امپراطوری غیر رسمی توسط حکومت های ملی کوبیده خواهد شد و باعث درد سر های اضافی مسکو نخواهد گردید . اما بغاوت تیتو و اخراج وی ازکمینفورم اولین عکس العمل یکی از ممالک اقمار در امپراطوری بود و حکمرانان کرملین درک نمودند که نمیتوان بر وسایل موجود اتکاء نمود .

بغاوت تیتو در مقابل ستالین باعث شد که کرملین در سیاست های خود در مورد اروپای شرق تجدید نظر نماید کمینفورم به مشکلات تازه یی مواجه گردید قوای نظامی روسیه نمی توانست بصورت مستقیم در ممالک اروپای شرق مداخله نماید و در عین زمان روحیهٔ آزادی خواهی همه تقویت میگردد لذاء بوجود آوردن موسسات مثل کومیکان لازمی جلوه می نمود ستالین به این نتیجه رسید که روابط سیاسی طویل المدت محض نمیتواند منافع همه جانبهٔ روسها را تامین نماید لذا روسیه باید در پهلوی روابط سیاسی و حتی جهت استحکام آن ارتباطات را بین مسکو و ممالک اقمار برقرار نماید که فرار و گریز ازان ناممکن باشد نفوذ در ارگانهای اقتصادی ممالک بوجود آوردن

شرکت های تجارتی و صنعتی مشترک در انحصار در آوردن تجارت ممالک اقمار و بالآخره برقرار نمودن روابط موسساتی از مطمئن ترین طرق رسیدن بهدف به نظر رسید .

با آنکه روسها تشکیل کومیکان را عکس العمل در برابر (پلان مارشال) و پیشکش نمودن سرمایه های امریکائی به ممالک اروپایی قلمداد نمودند اما در واقع طرح تشکیل چنین پکت اقتصادی قبلاً وجود داشت و عوامل سیاسی و اقتصادی در آن ذیدخل بود . گرچه (طرح مارشال) وعکس‌العمل روسها را در برابران کاملاً نادیده نمی گیریم اما نباید چنین وا نمود ساخت که طرح مارشال یگانه عامل تشکیل کومیکان بوده باشد بلکه طرح مذکور یکی از علت های ظاهری ان به حساب می آید ، همانطوریکه تشکیل ناتو دلیل ظاهری بوجود آمدن پکت وارسا گردید .

دانشمندان و متخصصین امور اروپای شرق درباره تاریخ موثق امضای منشور(کومیکان) اختلاف دارند زیرا قبل از اعلان نهائی تشکیل (کومیگان) جلسات مخفی در مسکو به اشتراک رهبران دست نشاندهٔ ممالک مذکور و حکمرانان کرملین گردیده بود اینکه در کدام یکی ازین جلسات انها تصمیم نهائی اتخاذ نمودند معلوم نیست. دانشمندان متعددی از قبیل ویبر Weber کوهلر Kohler کاسلر Kasler اسچاکو Uschakow پسار Pisar هر یک روز های مختلف ماه جنوری ۱۹۴۹ - را ذکر می نمایند . اما همه به این موضوع اتفاق دارند که موضوع تشکیل (کومیکان) در طول جلسات مخفی که در ماه جنوری در مسکو دایر گردیده مورد بحث قرار گرفته و فیصله صورت گرفت که باید کومیکان تشکیل گردد .

اینکه (کومیکان) در کدام تاریخ تشکیل گردید موضوع قابل اهمیت خاص نیست بلکه باید درین مورد اندیشید که «کومیکان» به اساس کدام انگیزه ها بوجود آمده و بعداً به چه ترتیب به فعالیت هایش اغاز نمود و یا اینکه موجودیت هچو موسسات به نفع کدام جانب بود ایا انچه در منشور کومیکان که عبارت از همکاری های اقتصادی متقابل ارتباطات تجارتی و تبادلات تجارت صنعتی متقابل و بوجود هماهنگی در صنعت و اقتصاد و ممالک سوسیالیستی بود ، واقعیت داشت این و سوالات نظایر آن به تحقیقات وسیع و همه جانبه ضرورت دارد اما بصورت مختصر گفته می توانیم که «کومیکان» جهت التیام بخشیدن و شکستگی های اقتصادی منطقه بوجـــود نیامده بود میخواست از این ممالک یک قدرت سیاسی و اقتصادی بوجود آورده ازان بحیث وسیله فشار در برابر غرب استفاده نماید . روی همین دلیل بود که کومیکان تا اخیر دههٔ ۱۹۵۰ غیر فعال بوده و وقت ارگانهای اداری ان در جلساتی که معمولاً در مسکو دایر می شد ضایع می گردید .

بدون استدلال پیداست که چون کومیکان تحت اداره روسها بوجود امده بود لهذا نمیتوانست درد های ممالک اروپای شرق را دوا نماید زیرا روسها خود علت بوجود اوردن بحرانها و نا بسامانیهای گونا گون اقتصادی و صنعتی در اروپای شرق گردیده بودند که در جنگ جهانی اول با روس می جنگیدند انتقال فابریکه های رومانیا به عنوان غرامات جنگ صورت گرفت هنگری زیر بار اقتصادی روسیه است و پولند به حیث منبع تهیه زغال مورد نیاز روسیه برای چندین سال نتوانست

بصیر درصفحه (۴۰)

په کابل کې د بریښنا وزارت

د ۱۳۵۷ کال د غوایی د او وسی توری کودتا چه روسی الاصل ترهکی ئی د قدرت پر مسند کښیناوه له هماغه اولی ورځی کمونستی اصطلاحات ، کلمات او نشرات واوریدل شول ځرنگه چه دا یو ځرگند حقیقت دی چه د ظاهر شاهی دولت سقوط او د داود اقتدار او بیا سقوط روسی پلان او نیرنگ ؤ. نو دا همدا وجه ده چه د افغانستان په اداری تشکیلاتو کی دیر ژریو سلسله تغییرات ولیدل شول سیاسی اداری جوړی شوی ، سازمانی اتحاد ئی منځ ته راغلی د ماسورینو د پاره سیاسی تیوریکی فلسفه شروع شوه په پوهنځیوکی د دینی زد کړی ځای مارکسستی فلسفی ونیو په دینی معتقداتو کلک بندیز ولږید په هغو مقیسگونو کی چه په اجباری توگه به پکی ماسورینو، محصلینو زده کونکو، د موسسو ادارو پیادگانو او د فابریکو کارگرانو گډون کاوه په روسی د ود او دستور به «هورا» ویل کیده او د وطن فروشانو له زامه سره به د ملگری او رفیق (چه روسی کلمه ئی تواریش ده) کلیمی تکراریدلی . . . ورځی شپی یو په بل پسی تیریدی د کابل په کمونستی دستگاه کی د روس یو بل نوکر حفیظ الله امین (K.G.B.) په لا براتوار کی د تجزئی لاندی ؤ خو دی سړی ډیر ژر د کودتا په لمړی سر کی په مرکزی کمیټه کی قدرت لاس ته راوړ او د پرچم د باندې غړی ئی په یورپ کی سفارتونو ته وگمارل کارمل ، اناهیتا ، نجیب محمود ، نور احمد نور او د دوی نور د باند غړی کله چه په سفارتونو ننوتل نو اروپائی ژوند د دوی حسرت ورزیات کړ دا ځکه چه دوی په کابل کی له بی هدفه گرځیدو بل څه نه ؤ لیدلی نو هماغه ؤ چه دی پریکړی ته سره ورسیدل ثرځو د سفارتونو اثاث البیت او بودجه غلا او نقده ئی په جیب کی واچوی او د دی غلا شوو پیسو په واسطه ختیځ المان ته لاړ شی په کابل کی ملحد امین د کمونیزم او د الحاد علمبردار له منځه یووړ - بیا هم روسی تشکیلات ، اصطلاحات او نور داسی مسایل مخ په زیاتیدو وو . په کمونستی نړی کی د نوی شیاد محیل او مکار او د ده د باند له خوا روسی مقاماتو او د کرملین نیرنگ بازانو ته هماغه د سفارتونو غلا شوی پیسی او اناهیتا د رشوت او عیش وسیلی په توگه وړاندی شوی . دلته په کابل کی امین او هلته په روسیه کی روسمل په حیرانوونکی توگه خپلو هلو ځلوته دوام ورکاوه ترځو و کړای شی دا د روبل نوکران خپله وفاداری خپل روسی با دار ته په شه توگه و ښیی د حفیظالله امین د ژوندتر روستی شیبو پوری دی د روسی زمامدارانو د تائید وړونه گرځید ځکه چه هلته په ماسکو کی معلوم الحال روسی مزدور جنرال زاده د ده تر ترشا په تخریب بوخت ؤ. بیا هم دی پوښتنی ته د روسی

وسله وال پوځ په خو له څواب وویل شو او د ۱۳۵۸ کال مر - غومی د میاشتی په شپږمه شپه سره اشغال گر پوځ حفیظ الله امین له منځه یووړ او روسمل خپل لمړی پیغام د تاشکند رادیو نه خپلو وطنوالو ته په ریږدیدلی ، مکارانه او محیلانه اواز وړاندی کړ - هغه وطنوالو ته چه دی ورته په روسی ټانکونو سپور راغی او نن ئی په روسی تانکونو گنشیپ هلیکوپټرو او جت الوتکو هغوی وژل کیږی کور ، کلی او باغونه یی و رانیږی او حتی بی وزلی ماشومان سپین‌ږیری او ښځی پکی تباه کیږی .

ببرک روسمل چه کوچنیوالی ، څوانی او د ژوند ټول حالات ئی خلگوته معلوم دی او پدی هم پوهیږی چه دی د روس دیر اصیل جیره خور او په روبلو خرڅ شوی وطن پلورونکی دی د دی لاس پوځی د قدرت په وخت کی روسی تنظیمات لامخ په زیاتیدو دی د مثال په ډول :

د پلان و زات ته (د دولت د پلان گذاری کمیټه) وایی همدا راز پخوانی کابینی ته (د وزیرانو شورا) او په مرکزی کمیټه کی د عدل او دفاع، د سولی اوهمبستگی د بین المللی روابطو ، د پلار وطنی ملی جبهی او داسی نوری څانگی منځ ته راغلی دی د کار په ساحه کی د هنرمندانو اتحادیه ، د ژور نالستانو اتحادیه ، دکارگرانو اتحادیه ، د تکسی او بس چلولو اتحادیه ، د څوانانو اتحادیه ، د ښځو د ټولنیز سازمان اتحادیه ، د ولایاتو محلی تشکیلات او ولایتی منشیان ئی په تشکیلاتو ورزیات کړل - د ملی دفاع وزارت د ولایاتو مکلفیتونه ئی کمیساری وبلل .

د همدی اصولو په اساس ئی په کابینه کی د برخنا وزارت منځ ته راؤست ترڅو له یوی خوا د روس یو تن نوکر ته د وزارت په څوکی ځای ورکړ شوی وی او له بلی خوا روسی تشکیل فعال شوی وی مگر کله چه په‌افغانستان کی واقعیاتوته ځیر شو دا به را معلومه شی چه اصلاً په افغانستان کی هیڅ د برخنا فابریکه فعاله نده .

د سروبی د برخنا فابریکه چه ما پخپلو سترگو ولیده چه په تولیدی دستگاوو یی خاوری پر تی وی ، د ماهیپر فابریکه، د وردگو دچک فابریکه ، د جبل السراج فابریکه خو دغو یی کودتا د هماغه لمړیو ورځو را په دی خوا پر چا وی دی او د نغلو د برق فرعی ستیشن چه هود خیلو په منطقه کی پروت دی دوه ځله د مجاهدینو له خوا خراب شوی دی او په کابل کی صرف حرارتی برق هغه هم په نوبتی توگه د شپی له خوا کله د ښار یو کنج او کله بل کنج

داسی ږنا کوی چه خلک خپل د گروپ ږنا په لاټین لټوی او سل‌شمعه‌گروپ د پنځه‌ویشت‌شمعه

پاتی په (٦٦) مخ کی



صهیونیزم

فعالیتها، اهداف وخطرهای آن

۱- توطئه‌های صهیونزم برعلیه جهانیان :

هدف نهایی یهود عبارت است از تسلط یهودیت برهمهٔ جهان و دردست گرفتن زمام بشریت از خلال حکومت جهانی واحدی که از کوه صهیون بر عالم حکمروائی نماید.

هنگامیکه مسیحیت ظهور کرد و به علت انتشار سریع آن، یهودیت احساس خطر نمود و در جنگ رویا روئی در اکثر موارد، اولی بر دومی غالب آمد، بناء یهود ها از طریق جمعیت خطرناک شان بنام جمعیت «نیروی خفیه» دست بجنگ سری بر علیه مسیحیت زدند و هدف ازین جنگ از میان برداشتن مسیحیت و ترور همهٔ ناشرین آن با وسائل گونا گون و مختلف بود.

و چون آفتاب تابان اسلام طلوع نمود و خطر آن بر یهودیت بیشتر از مسیحیت بود، بنا بعین شکل بجنگ اسلام نیز برخاستند، بلکه جنگ شان با اسلام شدید ترو وحشیانه تر از صف گیری مخفیانه شان در برابر مسیحیت بود. اما اسلام قویتر از آن بود که مغلوب شود. قرون زیادی این جنگ مخفیانهٔ یهودیت بر علیه اسلام و مسیحیت با شدت وحدت و بدون سستی جریان داشت و چون عصر نو در جهان پدیدار شد و ظروف و شرائط تغییر کرد و «جمعیت نیروی خفیه» در شرف متلاشی شدن قرار گرفت بنا بران یهودی‌ها مجبور شدند تعدیلاتی را بر «جمعیت نیروی خفیه» اعمال دارند که از آن جمله تغییر نام آن از «جمعیت نیروی خفیه» به ماسیونیزم یا فراماسون بود، البته با حفظ اهداف آن بگونهٔ که بیان داشتیم.

و برای اینکه بتوانیم روشنی بیشتری بر تاثیرات خطرناک **«فراماسون» در عصر جدید پیدا نداریم، لازم است فعالیت های یهود را در شکل جدید آن مورد** بررسی قراردهیم:

فراماسون ظرف مناسبی بود که یهودی ها در آن فعالیت های سری خود را بنحو احسن انجام دادند. اگر یهود ها قبل از عصر جدید میخواستند اهداف خود را از طریق رویا روی با اتباع مسیحیت و اسلام بر کرسی بنشانند، یهودیان امروزی قصد دارند با اجرا نمودن برنامه ها و پلان‌های که هدف آن درهم شکستن جوانب دینی و اخلاق واقتصادی بشریت است، قدرت را بدست گیرند و زمام جهان را بکف آورند و در همهٔ دنیا حکومت جهانی یهود را قایم سازند.

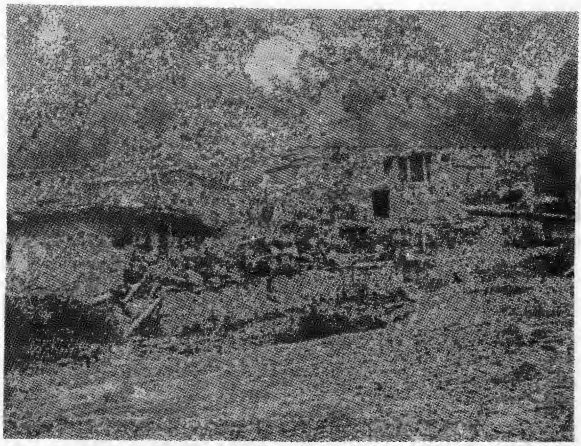
برای توضیح بیشتر درین مورد بهتر است تفصیلاتی از فعالیت های صهیونزم جدید ارائه داریم: تنظیمی که روی دیگر فعالیت های یهودی بشمار میرود و با فراماسون همکاری عام و تام دارد. و چه بسا که هر دو تنظیم یعنی تنظیم سری فراماسون و تنظیم علنی صهیونزم دارای یک مصدر

است و وقائع و حوادث جهان نیز این گفته را ترجیح میدهد .

درین مقاله و مقاله های بعدی

چگونگی نشأت صهیونزم وچگونگی پلانسازی آن جهت تطبیق و تنفیذ اهداف یهود که عبارت از سیطره بر همهٔ جهان و حکومت بر آن از کوه صهیون است ، و اینکه چگونه صهیونزم توانست با افروختن آتش انقلاب فرانسه و تقسیم جهان بربلوکهای رقیب و بر انگیختن جنگ در میان آن ها و استفاده ازین جنگ ها و استخدام نتایج آن بنفع یهود پلان خود را عملی سازد و هم در مورد اینکه چگونه کمونزم و سرمایه داری طبق خواستهٔ و پلان یهود ها نشأت نمودند و چسان یهود ها کوشیدند دولت عثمانی را از میان بردارند و چگونه درین مورد موفقیت کسب کردند ؟

و چطور بیش از چند بار تعلیمات و پلان های خود را تعدیل نمودند تا با حوادث و وقائع مطابق گردد و هدف شان نیز حفظ شود ؟ و اینکه چگونه دو تنظیم یهودی که یکی صهیونزم (تنظیم علنی) و دیگری فراماسون (تنظیم سری) است ، باهم شدید همکاری دارند ؟ مطالبی ارائه خواهم کرد .



۲- صهیونزم جدید :

صهیونیزم جدید اساساً به «جماعت نورانی ها» رجوع میکند و قبل از اظهار نظر در مورد صهیونیزم لازماست جماعت نورانی‌ها را توضیع دهیم تا روشنی بیشتری بر نوعیت صهیونزم جدید انداخته شود .

کلمهٔ نورانی مشتق از کلمهٔ «لوسیفر» است که «حامل روشنی» یا «موجود پر نور» معنی میدهد. و اما «جماعت نورانی ها» موسسه ایست از موسسات متعدد فرماسون و این موسسه (جماعت نورانی ها) خدمات و کوششهای قابل ملاحظه ای در تبدیلی دولت یهود از قوه به فعل بعبارهٔ دیگر از عالم تخیل و پلان به ساحهٔ عملی نموده است .

بسیاری از پژوهشگران بر آنند که نیچه ، کالفن میرابو ، روبسپیر و چرچل و لوید جورج ویلفور کسانی بودند که در تاریخ جدید نورانی ها تاثیرات بزرگی از خود گذاشتند .

بسیاری از پلان های نورانی ها عملی شد و نتایج کوشش های شان بدست آمد چنانچه فرانسه را بنام انقلاب انسانی جهانی ویران نمودند ، و نورانی ها بعد از ختم انقلاب به نقش واضح فراماسون در آن اعتراف کردند .

(ادامه دارد)

ای شهیده ته څوک یې!

ته هغه څوک یې چه په حقه لار د کلمة الله د اعلاء او د اسلام د سپیڅلي دین او د خپلې اسلامي خاورې خپل ناموس، خپلې آزادي او بادارۍ او د خپل انساني کرامت او حقوقو د خوندۍ ساتلو په غرض او منظور دې هر ډول قربانۍ او سرښندنې ته لبیک ووېلې. د کفر او الحاد او د ظلم او ناروا د باطلو قوتونو او شریرو لښکرو په مقابل کښې په قوي ایمان او پوره سپرلۍ د ټینګ سنګر او قوي دیوال پشان ودریدلی. د حق د دښمنانو د مادي قوت او وحشتناکه غریو او هیاهو څخه دې هیڅ ویره او پروا ونکړه او لاس او پښې دې خطا نه شولې.

د حق د مینې او جذبې له امله دې دنیوي ژوند او متاع ته هیڅ ارزښت او اهمیت ورنکړ. د روس د فرعوني او طاغوتي متکبر او وحشي لښکر د د یو هیکله آفت په مقابل کښې دې د دلت، محکومیت او غلامۍ سر ټیټ نکړ بلکه د خپل ایمان په جذبې او د حق په اواز او د آزادۍ په مینه دې د پتنګ په شان د قربانۍ او شهادت میدان ته و دانګلې او په ډیرې ویاړنې او خوښۍ دې د شهادت خوږ جام وڅښه او د خپلو موجوده ډ او وروسته پاتې کسانو او د حقې لارې د مینانو او پتنګانو د پاره دې د ازادۍ او بادارۍ په منظور د ایثار او قربانۍ مکتبونه پرانیستل او هغو ته دې د دې دنیوي ژوند څخه وروسته د بل خورا ښه او بې ساري ژوند زیرې ورکړ او د دغه ژوند د ګټلو لاره دې په حقه لاره کښې قربانۍ او سرښندنه و ښودله او د اسلام مجاهدو عناصرو ته دې بلنه ورکړه او هغوی دې په دې حقیقت و پوهول چه د مسلمانۍ اصلي مفهوم او شرط د لوی خدای حکم ته غاړه ایښودل او د اسلام په حقه لاره کښې د سر او مال قربانۍ او د کفر او الحاد له تیارو او خطرونو او د ذلت او محکومیت له ژوند څخه ټیښته کول دي، او هم دې په ډیرې خوښۍ او ویاړنې اعلان وکړ چه لوی او مهربان خدای د حقې لارې پتنګانو او د آزادۍ مینالو او سرښندونکو ته د خپل قرب او عزت خورا لوړ مقامونه ور په برخه کوي او هغوی د جنتي پاکو او ښکلو حورو او شاندارو او خوندورو نعمتونو خاوندان ګرځوي او څوک چه د اسلام په حقه لار د جهاد په تود سنګر او میدان کې وسي هغه ژوندۍ دي او د هغه پداسې شانداري مړینې باندې ډیره ویاړنه او خوښي کیږي.

ای شهیده!

د داسې مقام او قدر وړ شخص همدا ته یې او پاک خدای ستا د ښه مقام او عزت په باب داسې ویلي دي:

«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا ط بل احیاء عند ربهم یرزقون. فرحین بما اتاهم الله من

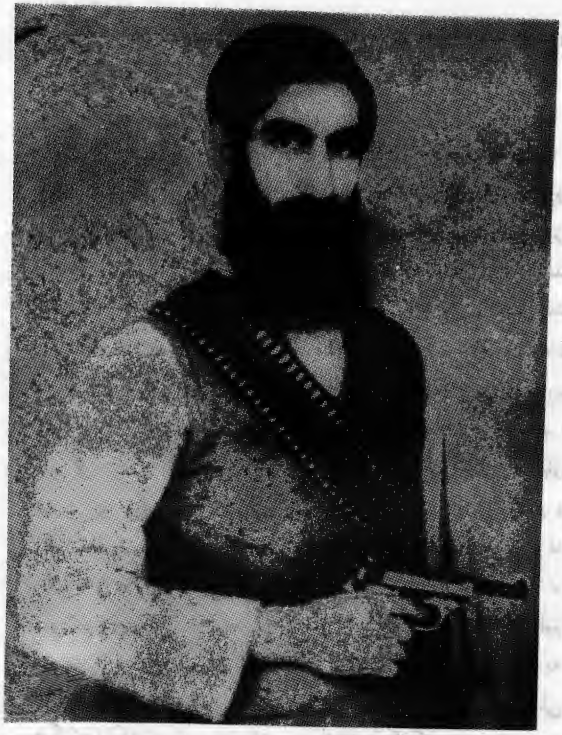
پاتې په (۲۰) مخ کې



د تور غره گربت

له تور غره نه تپونه ختل ، که نه ، هغه به اسویلل! دزمکی گرد هسک ته رسیدلی و ، هواهم خړه پړه وه د وریځو تیارو د تور غره دری رابنکیل کړی وی ، پر اسمان څکو ، څو گوئی د وریځو او بنان چو سوی وو ، څوک نپوهیده، داد لرغرنو مسافرو کاروان نن دلته څنگه اړ ولی دی؟

بیگانی پردیسی او اواره وریځی پر سرراتیتی سوی وی لکه چی په غوږ کی ئی ورسره څه ویل نپوهیږم کومه و یرجنه کیسه ئی ورته کوله ، که له کومه درده به ئی ورته شکوه کوله. له کومه درده ؟ له کومه غمه ؟ یو غم خونه و ، یو درد خونه و ، هره تیره ئی د دښمن د گولی نښه وه ، او هره پرښه ئی د توپ گولی ته سپرده ډیر ځله پری د تودو اوسپنو اود سکرو توپا رانونه‌ورول شوی وو . هر هرځای ئی پرهارژلی و هرگاټ او دیره ئی د سره ټټر د لیدو شاهده وه ، د بی وسی - او بی کسی - د سلگو همرازه وه او د دردیدلو او پرهارژلو زړونو غمرازه وه ، سینه ئی د قارون د خزانی په څیر د خپلو ننگیالو زامنو د غیرت او ایمان له افسانو ډکه وه ، خو هغه هیجاته دغه افسانی نه ویلی ، یوازی هماغه ورځ هو ! یوازی هماغه ورځ ئی له پردیسو او مسافرو وریځو سره د زړه خوا له وکړل ، نپوهیږم څه ئی ورته ویلی وو چی هغوی هم کری شپه د هغه پښو ته وژړل ، معلومیږی چی تور غر ډیر غم خپلی و ، ډیر پرهار ژلی‌ؤ چی د لرغونو مسافرو کاروان ته ئی خپله افسانه او رولی وه او خپل تیری تیری ارمانونه ئی د هغوی په او ښکو خړوب کړل، دا افسانه په څه ډول وه ؟ د چا به وه ؟ د هر چاپی او ریدو ته تلوسه وه ، هر څوک په دی اسره و چی هغه گربت وپیژنی چی تور غره ئی له غمه اسویلل او د اسمان ستورو او پیرونو ته ئی د دغی سړی زمکی د برمیال اتل افسانه او رولە او په خپلو سړو اسویلوئی پردیسی وریځی له غمه تر سهاره وژړولی . دابه څوک وه؟ له هر چا سره همدا پوښتنه وه ، همدا پوښتنه . له کومه راهیسی چی سره لیوان (روسان) راغلی دی ، نو تورغر سور شویدی هغه اوس سری نمری (جامی) اغوستی دی ، د هغه سخ اوس د خدای مینو شهیدانو په وینو سور دی دغه مخسورتیا هغه ته په خپله



غیږکی شهیدانو ته له پناه ورکوله
نه ور په برخه شویده او هلته اوس
د بمونو او توپونو د غږ مبهار له
وېری رستدان هم شپی نسی
سباکولی ، کله به چې توری شپی
خپل تور پلو خپور کړ ، نو د
مرګ تیاری به هم د خپلې کیږ
دی تور پیځوی و غوږا وه ، هری
تړی به ئې په واز کومی د مرګ
سندره ویله . له هغه ځای نه
اوس ان زمریانو هم کډه کړی
وه . هلته به تل د سرو سکروټو
باران و . دومره سور باران چې

وریځی به په افق کی ترینه سری
سکروتی ښکاریدی ، نو دا به د
کومې پولادی سینې خاند و چې
بیا هم په تور غره کی استوګن و
او د ژوند او مرګ په دغه اخ
وډب ئې وروځه هم ته کړو له ،
په هغه کی لکه چې له زمری نه
هم غټ زړه و .

سهار ، هو ! هغه د غم سهار
چې لمرو څرکیده او پخپلو زرینو
وړ انګوئی د غرو په وینو سری
څوکی وړ نګینې کړی نو د تور
غره د د نګوځو کو په پراخه

څنډه کی ، سرو وینو ځلا کو
له ، بې خبرو خلکو ویل چې آه
لمر لکه چې د خپلو زرینو وړانګو
په تیرو تورو دا بیګانی اوږ ده شپه
وژلی ده ، هو ! دا توره شپه ،
دا غم پخوونکی (زیروونکی) شپه
خو افسوس داسی نه ؤ ، دا د
شهید د سرو وینو ځلاوه ، چې
سرخی ئې په افق کی خپره سوی
وه ، پر ماحول د ویر او ناتار
فضا خوره وه تور غرونه یو په
بـــل پسی خواشینی ولاړ وو
پر نړی باندی یو هیبت او
پرتم غوړیدلی و ، د سره رود
کومی په ژراوچ سوی و . تورغره
اسویلل ، هو ! هغه اسویلل ،
د خپل ننګیال او مجاهد ګربت
په یاد پردیسو وریځو ته ئې د زړه
غوټه پرانیستلی وه او هغوی
ورته تر سهاره ژړل .

تالندی د کسات لپاره غاښونه
چیچل او خپل یرغلګر جنګی
اسان ئې په منډه کړی وو . بریښنا
به د ډیری غوسی نه د وریځو له
خرڅادره خپله سینه توره ناڅاپه
راوایسته او د شهید قاتلانو ته
به ئې په ګواښ ځلو له . دریدی
ګلو سپایان د تور غره په تروسینه
داغلی او غم خپلې ولاړ وو . د
اسمان پتمنی درخود زمکی ننګیال،
شهید آدم خان له غمه دوریځوپلو

پاتې په (۶۶) مخ کې

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون ٥

شہید پیغام



ای شهیده ....

فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الاخوف علیهم ولاهم یحزنون . یستبشرون بنعمة من الله و فضل و ان الله لا یضیع اجرالمؤمنین»

ال عمران ۱۶۹—۱۷۱

هغه کسان چه د الله په لاره کښی وژل شوی مړه یی مه کنئ بلکه هغوی ژوندی دی د خپل پروردګار په نزد هغوی ته روزی ورکوله کیږی دوی د الله په ورکړ شوی نعمت خوښی کوی او هغه کسان چه په دنیا کی ژوندی او له هغو سره نه دی یو ځای شوی هغو ته زیـری ورکوی چه نه د هغو د پاره ویره شته او نه به هغوی غمجن کیږی. هغوی د الله په نعمت او مهربانی او هم په دی چه الله د مومنانو اجر نه ضایع کوی خوښی کوی .

همدا راز حضرت پیغمبر(ص) د شهید د ښه مقام او شان څخه داسی یادونه کړی ده .

«لا یکلم احد فی سبیل الله - والله اعلم لمن یکلم فی سبیله - الاجاء یوم القیامة و جرحه یثعب دما اللون لون الدم والریح ریح المسک»

د خدای(ج) په لاره کی څوک نه زخمی کیږی (خدای ښه پوه دی) په هغه چا چی د هغه په لاره کی زخمی کیږی مګر د قیامت په ورځ به را شی او د زخم څخه به یی وینه بهیږی چه رنګ به یی د وینی او بوی به یی د مښکو وی .

همدا راز د شهید په باب حافظ شیرازی څه ښه ویلی :

هرګز نمیردانکه دلش زنده شدبعشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

همدا راز په دغه باب یو عربی شاعر ویلی دی :

موت الفتی حیاة لا انقطاع لها
قدمات قوم وهم فی الناس احیا

پـه حـقـه لاره کی د زړور سرښندونکی زلمی مړینه یو حقیقی ژوند دی چه د هغی په سلسله کی هیڅ انقطاع او فاصل حد وجود نلری او هغه قوم چه د حق د دښمنانو په مقابل کی مبارزه وکړه او له خپلو دینی مقدساتو ، خپل ناموس او طبعی او حیاتی حقوقو څخه یی دفاع وکړه او د محکومیت او غلامی ذلیل او له شرمه ډک ژوند یی و نه مانه نو دغه راز لوړ همته او غیرتی قوم که څه هم د دنیوی ژوند په صحنه کښی تر سترګو نه راځی او په ځمکه کی پټ پراته دی ولی د خپلو سرښندنو او فداکاریو په سبب د ژوندیو حیثیت لری او په خپلو سرښندنو او فداکاریو سره تل مجسم او ښکاره دی .

نو ای د حق لاری شهیده !

که ته نن ورځ په خاورو کی د پاک او روښان جوهر په شان پټ یی او د سترګو په نظر نه راځی ولی ته د مهربان خدای په نزد د خورا ښه او ممتاز ژوند او د ښه قرب او عزت د بی ساری مقام او

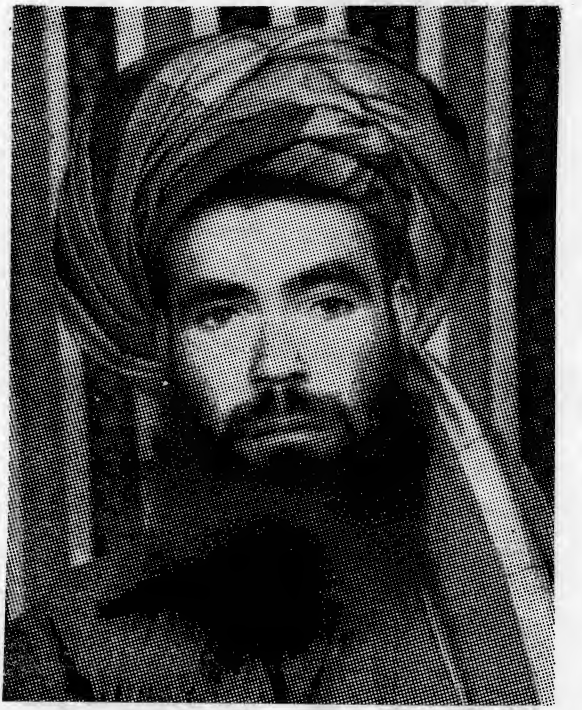
پاتی په (۶۶) مخ کی



خونین کفنان راه حق

(ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتط بل احیاء ولکن لاتشعرونط)

سمیع الله شهید



شهـادت در راه خـدا(ج) از بهترین تمنیات یک انسان متعهد مبارز و انقلابی اسلام است . روی همین ملحوظ است که پروانه های شمع الهی در کشور اسلام درست و کفر شکن افغانستـان عزیز برای دستیابی به این مأمول بـا شوق و ذوق زایـد الوصف گرامی ترین فرزندان خویش را نثار کرده است . کاروان شهدای راه نجات بخش اسلام عزیز در پیچ و خم دره ها و کوههای سر بفلک کشور آزادمنش افغان مسیر خویش را بسوی کعبهٔ مقصود می پیاید و هر روز بر پهنای این خط زرین و لاله گون افزوده میرود تا راهش را بسوی زندگانی ابدی باز نماید . می روند تا دژ های استثماری و ظالمانهٔ فرعون های عصر را از بیخ و بن بر کنده و بز ویرانه های فلاکت بار آن عمارت زیبای اسلام را بنیـان گذاری کند ، می روند تا انتقام خون پاک هزاران طفل یتیم و پدر مرده ، صد ها بیوه زن بی چارهٔ شوهر مرده ، صدها هزار شهید گلگون کفن و بخون خفته خویش را از طاغوت های ددمنش

عصر بگذد . و . . .

شهید سمیع الله یکی ازین رهروان راه اسلام است که با پرتو قطره های لاله گون خون شهادت خویش قلب پر از ظلمت بیداد را تا دور دست ها با ترسیم خطی رزین ، شگافته تا برای همقطاران و همسنگران بعدی خویش مشعل فروزان پیکار و مبارزه شود .

شهید سمیع الله ولد آدم خان این پروانه شمع فروزان اسلام که تا آخرین رمق زندگانی در اطراف این «شمع» پر و بال زد جوانی بود باهوش و بیدار ، در ۱۳۳۲ه در قریه کتب خیل مربوط ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر چشم به جهان کشود . تحصیلات ابتدائی و متوسط را در لیسه ولسوالی محمد آغه بپایان رسانید و علوم اسلامی را هم تا اندازهٔ در مدرس منطقه فرا گرفت.

شهید سمیع الله پس از کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ که غلامان اصلی روس ها و دشمن اسلام قدرت سیاسی را بدست گرفتند اولین جوانی بود که به همدستی عدهٔ از برادران همرزم خود در مربوطات ولسوالی محمد آغه چهرهٔ ضد اسلامی و الحادی رژیم دست نشاندهٔ کفر و کمونیزم را به مردم معرفی نموده و در افشا نمودن پلان های غیر اسلامی آنها مجاهدت مینمود .

شهید سمیع به همکاری برادران همسنگر خود به قلع و قمع عناصر مرتد و جیره خوار روس کمر همت بسته و توانستند دنطقه را از وجود این مزدوران بی فرد کرملین پاک نموده و منطقه را به مبارزه علنی عیار نماید .

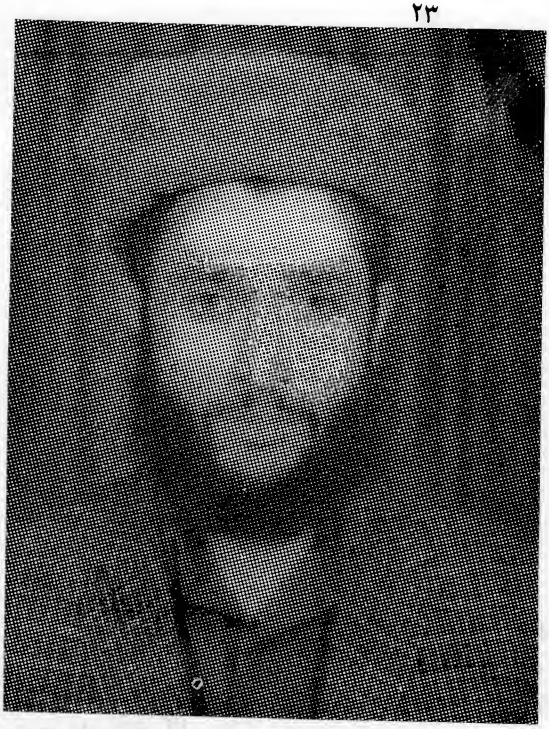
این جوان شجاع وهد فهند در ۱۳۵۹ که در مراکز دوبندی ، سرخاب ، گندا و وغیره نقش فعال خویش را ایفا نموده و در عملیات موفقانه ولسوالی محمد آغه نیز شرکت داشت شهید سمیع الله در سال جاری پس ازینکه منطقه کتب خیل در اثر عملیات انتقام جویانهٔ روسها چندین بار مورد حملات شدید هوائی و زمینی قرار گرفته و خسارات مالی و جانی را «اضافه از پنجاه و پنج نفر شهید» متقبل گردید ، در امر تسلی ساختن مردم منطقه و تشویق آنها به صبر و استقامت و همچنان ترتیبات دفاعی از حملات آیندهٔ دشمن که منطقه را سخت با مشکل روبرو ساخته بود نقش فعال بعهده داشت .

شهید مذکور نه بحیث قوماندان بلکه بحیث یک مجاهد راه حق و بنابر داشتن چهرهٔ بشاش و اخلاق نیکو از محبوبیت خاصی برخوردار بود . وی نه تنها در امر قلع و قمع ساختن روسها و نوکران آن بذل مساعی نمود بلکه در جهت جلو گیری از هر گونه فساد محیطی سعی جدی بخرچ میداد بتاریخ ششم رمضان المبارک ۱۳۶۱ بتعقیب حمله شدیدی که از طرف مجاهدین اتحاد اسلامی افغانستان بالای یک کاروان روسی صورت گرفت و در اثر آن خسارات جانی و مالی به آنها رسید نیرو های روسی جهت انتقام گیری از منطقه تعداد زیادی از افراد کماندوی روسی و ملشیای داخلی را در منطقه پیاده نموده و دهات را در محاصره گرفت .

شهید سمیع الله با قلب مملو پر از ایمان و اخلاص بمقابله پرداخت پس ازچند ساعت مقابله در حالیکه تعداد زیاد آنها را به جهنم فرستاد به همراه یک تن از چریکان ورزیده خویش به اسم محمد میرزا مسکونه ولسوالی محمد آغه در گرما گرم مبارزه روزهٔ ماه مبارک رمضان را با شربت شهادت نوش جان کرد روحش شاد باد .

(انا لله وانا الیه راجعون)

ملک جان شهید



ملک جان شهید فرزند عبدالنبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در کاکا خیل دره پته نجراب ولایت پروان در یک خانواده متدین تولد گردید ، تحصیلات ابتدائی اش را الی صنف ششم در متوسطه حافظ عبدالمجید نجراب بپایان رساند ، بعداً شامل لیسه صنایع ولایت کابل گردید ، در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی از صنف ۱۲ لیسه صنایع فارغ و به صفت معلم در مکتب دره پته نجراب مقرر گردید ، موصوف در شروع حکومت ملحد ترهکی دعوت برادران تحریک اسلامی افغانستان را که در منطقه دره پته نیز فعالیت های سری و قسماً علنی داشتند قبول نموده و شامل صف برادران تحریک گردید و از تمام دستورات تحریک کماحقه پیروی مینمود ، در ماه ثور سال ۱۳۵۸ هجری شمسی مجبور به ترک وظیفه معلمی گردید و مدتی را بصورت پنهانی در یکی از محله های نجراب بسر برد تا اینکه برادران تحریکی تصمیم گرفتن اولسوالی نجراب را نمودند این برادر نیز با آنها اشتراک نمود و اولسوالی نامبرده را از چنگ خلقی ها آزاد نمودند ، بعد از چندی بنابرعوامل متعدد مجبور به مهاجرت گردید و مدتی را در پاکستان سپری نمود ، موصوف در ماه ثور سال ۱۳۵۹ بهمراه گروپ مجاهدین عازم اولسوالی نجراب شد ، بتاریخ ۱۸ ماه جوزا سال ۱۳۵۹ در وقت گرفتن اولسوالی نجراب از چنگ پرچمی های وطن فروش اشتراک نمود ، بعد از فتح اولسوالی به صفت مسئول حوزه دره پته تعین گردید ، بتاریخ ۲۹-۳-۱۳۵۹ هجری شمسی در بر خورد با قوای ملحد مرتدشمن به دست راستش اصابت نمود ودست راست او زخمی گردید ، این زخمی شدن در روحیه اش تاثیری ننمود بلکه روحیه اش را در ارتباط با جهاد به مراتب بالا برد ، موصوف در اواخرسال ۱۳۶۰ هجری شمسی به صفت مسئول حوزه خار جدره مقرر گردید ، نامبرده مجاهدی بود با تقوی و از صبر و شکیبائی بزرگی برخوردار بود ، همین صفت نیکو و حسن خلق وی او را در میان مردم محبوب و دوست داشتنی ساخته بود - در ابراز حق در مقابل هرکس هم که

میبود باکی نداشت ــ و کلمه حق را اظهار مینمود ، او همیشه برای مجاهدین درس تقوی و امانت داری میداد ، نامبرده همیشه مجاهدین را مخاطب قرار داده میگفت : مجاهدی که تقوی نداشته باشد ، بالای نفس خود حاکم نباشد اسلام را در فامیل خود عملی نسازد ، آنچه میگوید آنرا در عمل پیاده نکند ، خلاصه آنچه اسلام حکم میکند آنرا در عمل خود انعکاس ندهد ، مجاهد نبوده ، بلکه با کلمه جهاد و مجاهد خیانت کرده است . با این صفات نیکو بالآخره موصوف در یک جنگ رویاروی با قوای روسی در قریه کمسار نجراب بدرجه شهادت رسید ، روحش شاد ـ یادش گرامی باد .



برادر شهید قوماندان عطا مراد ولد فرمان در سنه ۱۳۲۱ در قریه بولک مراد حسن تال مرکز ولایت بغلان در دامان یک خانوادهٔ متدین ، دیده بجهان کشود ، شغل و پیشه اش دهقانی و از مدرک کشاورزی اسرار حیات می کرد . دارای ایمان قوی و صفا و صدق و اخلاص بود از اخلاق حمیده و نیکو برخوردار بوده و با مردم و دوستان روابط حسنه داشت .

بعد از کودتای ننگین هفت ثور ، موصوف همانند سایر برادران مجاهد خود ، علیه نوکران فرومایه روس دست به جهاد و قیام مسلحانه زد ـ در طول مبارزات و فعالیت های خویش ، از خویشتن شهامت و رشادت زائدالوصفی نشان داد

وی در طول سه سال پیکار قهرمانانه اش شهکاری های بی نظیری در جریان برخورد های خونین ، دشمنان دین و وطنش نمود و ضربات سنگین و کوبنده اش را بر پیکر کثیف جنایت کاران از خدا بی خبر روسی وارد آورد.

دلاوری و پایمردی این شهید زبان زد خاص و عام منطقه حسن تال است .

بالآخره ، عطا مراد ، باثبات و پایداری ، در راه حق تا پای جان رزمید و همان بود که در یکی از برخوردهای خونین مجاهدین با روسها بتاریخ ۲۰-۳-۱۳۵۹ قریه سالنگی حسن تال با برداشتن تقریباً پنجصد زخم و مرمی جام شهادت بر سر کشید و بجوار رحمت ایزد پاک پیوست (انا لله وانا الیه راجعون) روانش شاد باد.



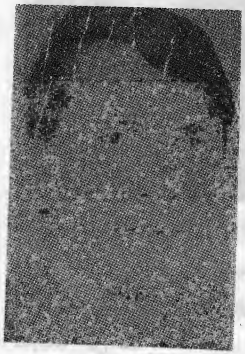
برادر شهید سیف الرحمن ولد خلیل الرحمن در مرکز شهر جلال آباد در برج قوس ۱۳۳۸ تولد یافت و تا صنف ششم تعلیمات خود را پیش برده نسبت ضعف اقتصاد نتوانست که به تعلیمات و تحصیلات خود ادامه دهد لذا به شغل خیاطی پرداخت و ازین راه معیشت زندگی خود را می کرد زمانیکه حکومت سیاه کمونستی در افغانستان بمیان آمد دست به جهاد مسلحانه زده و از خود فداکاری کم نظیری نشان داد در سال ۱۳۵۹ در یک عملیات در جبهه سرخرود بعد از تلفات و خسارات مالی و جانی که بر دشمن وارد کرد در همین عملیات توسط مرمی دشمن جراحت برداشته و بعد از یک مدت بستر و پانسمان دوباره در

پهلوی برادران همرزمش در سنگر جهاد قرار گرفت تا بالآخره در یک جنگ رویا روئی با دشمن در حصه شیوه کی کابل بتاریخ ۲۵-۵-۱۳۶۱ بمقام والای شهادت نایل آمد . روحش شاد باد .



شهید مولوی حاجی محمد انور پسر خواجه مراد در سال ۱۳۲۰ در قریه بیش بله عسقلان ولایت کندز متوله و تحصیلاتش را نزد علمای دینی الی درجه مدرسی در مدرسه خیابان ولایت کندز بپایان رساند ، نامبرده یک عالم با عمل و با تقوی بود ، مردم را همیشه در راه جهاد عملی بخاطر پخش داعیه اسلام دعوت می نمود ، بابوجود آمدن کودتای ثور دست به جهاد مسلحانه زد ، در اوایل سال ۱۳۵۹ بپاکستان مهاجرت نمود و بعد از چندی دوباره بوطن برگشت ، در جنگ های متعددی برضد کافران داخلی و خارجی اشتراک نمود - موصوف بتاریخ ۲۱-۱۰-۱۳۶۰ با گروپ خود راه یک قطار نظامی روسی را در منطقه آقتپه و قلعه زال مسدود نمود ، بعد از برخورد قهر مانامه درین جنگ و بدست آوردن غنایم زیادی از قبیل سلاح خفیفه و ثقیله و شکست دادن قوای متجاوز در آخرین دقایق پیروزی بدرجه رفع شهادت نایل شد .

استاد محمد نسیم شهید فرزند عبدالکبیر در قریه هوفیان ولایت پروان در یک خانواده متدین تولد گردید ، موصوف از بدو کودکی دارای استعداد سرشاری بود و تحصیلات خود را الی ختم دارالمعلمین عالی ادامه داد



وی عضو فعال تحریک اسلامی بود ودر راه تنظیم برادران مجاهد سعی بلیغ نمود ، در افشای گروهک های فروخته شده بخارج از هیچ نوع فداکاری دریغ نمی نمود ، وی بعد از مجاهدت زیاد در راه داعیه اسلامی و جهاد مردم افغانستان بتاریخ ۱۲-۳-۱۳۶۰ بدرجه رفیع شهادت نایل شد .



شهید صوفی عبدالستار در سال ۱۳۰۹ هـ ش در قریه همزه خیل اولسوالی سید خیل ولایت پروان متولد گردید ، موصوف باروی کار شدن حکومت ملحد تره کی دست بکارشد در سال ۱۳۵۸ بغرض تنظیم نمودن بیشتر عازم جبهه مجشیر شد ، بعد از چندی دوباره به سید خیل باز گشت وبا سلاح های دست داشته شان بالای ارگ جبل السراج حمله نمودند ، درین حمله (۴۵۰) میل کلا شینکوف دو میل راکت و ۲۵ میل تفنگچه بدست آورد او در جنگ های زیادی علیه وطن فروشان و باداران خارجی شان اشتراک میورزید . بالاخره بتاریخ ۲۰-۷-۱۳۶۰ در یک

حمله وحشیانه روسها در منطقه سید خیل بعد از زد و خورد شدید بهمراه همشیره زاده اش عبدالقهار به شهادت رسید .



لمری برید من محب الله «محمدی» فرزند مرحوم پاینده محمد صدیقی در سال ۱۳۲۹ در ولسوالی قرغه یی ولایت لغمان دریک خانواده، متدین تولد گردید موصوف در سال ۱۳۵۲ بعد از فراغت از حربی پوهنتون به رتبه دوهم برید در فرقه ریشخور مقرر گردید ، در سال ۱۳۵۳ بحیث لمری برید من در فرقه کندهار مقرر گردید ، در سال ۱۳۵٤ بعنوان اعتراض به حکومت غیر اسلامی داود ترک وظیفه نمود ، با روی کار آمدن تره کی مبارزات خود را علنی ساخت تا اینکه بعد از مداخله روسها در سال ۱۳۵۸ عملاً در تشکیل جبهه امپیر سهم فعال گرفت ، بعد از چندی عازم کشور پاکستان و از آنجا به ایران رفت ، بعد از تنظیم برادران دوباره عازم افغانستان گردید، بالاخره در سال ۱۳٦۰ هجری شمسی توسط مزدوران روسی دستگیر و زندانی شد و در ۸ ثور ۱۳٦۱ بدرجه عالی شهادت رسید

شهید عبدالغفار فرزند محمد حسین باشنده قریه قمچاق اولسوالی غور بند ولایت پروان دریک فامیل متدین متولد شد ، موصوف تعلیماتش را الی صنف ۱۲ درلیسه حبیبیه کابل بپایان رساند و در سال ۱۳٤۹ در بست فوائد عامه مقرر گردید ، موصوف در



آگاه ساختن برادران سهم فعال داشت ، بالاخره بتاریخ برج سنبله سال۱۳۵۷ دستگیر و بدرجه عالی شهادت نایل شد .

شمس الحق شهید فرزند محمد شریف سال ۱۳۲۷ درقریه حافظ بچه اولسوالی نهرین ولایت بغلان متوله گردید بعد از فراغت صنف ششم شامل کورس خورد



ضابطان گردید ، موصوف در وقت قیام آزادیخواهانه صاجبمنصبان کندهار بعد از کودتای ننگین ثور دستگیر و زندانی شد ، نامبرده بعد از روی کار آمدن ببرک رها گردید و مدتی را در خانهٔ سپری نمود بعداً عازم پاکستان گردید ، بعد از چندی مهاجرت دوباره بوطن برگشت و در غند تعلیمی نهرین به صفت رئیس ارکان ایفای وظیفه مینمود ، بالاخره موصوف بتاریخ ۱۲-۳-٦۱ بدرجه عالی شهادت نایل شد .

شهید غفور جان د حاجی جعفر خان زوی د پکتیا ولایت دځائیو د حسن خیلو اوسیدونکی داسلام د لیاری یو تکړه سر بندونکی مجاهد و نوموړی مجاهد له زیات وسله وال جهاد نه وروسته په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه په حسن خیلو کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

شهید نور حسن د غلام حسن زوی د ننگرهار ولایت د غلجیو



د حصارک اوسیدونکی و دغه سرتیری مجاهد د ۱۳۶۰ ش کال د میزان په میاشت کی د یوی نښتی په ترڅ کی شهید شو .

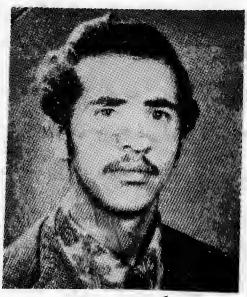
شهید دور خان د مناف خان زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د جبهی د سرتیرو مجاهدینو څخه ؤ



په ۱۳۶۰ ش کال د خاځیو د خلل خپلو په کلی کی زیږیدلی ده په افغانستان کی د ملحد دولت د منځ ته راتلو سره سم په عملی جهاد لاس پوری کړ او په ډیرو عملیاتو کی یی زیات بریالیتوبونه تر لاسه کړی دی بالاخره په ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه یی په ږره لویه خـونړی نښته کی د شهـادت لوړ مقام و ګانه .



شهید بنوځی د ملا دین محمد زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د کلی او سیدونکی په ۱۳۳۳ هـ ش کال زیږیدلی او د



شهید نیک محمد ولد حاجی عطا محمد مسکونه شهر چاریکار یکی

ملحد دولت د منځ ته راتلو څخه وروسته یی په وسله وال جهاد لاس پوری کړ دغه سرتیری مجاهد په ۱۳۵۸-٤-۱٦ نیټه د حسن خیلو په سیمه کی د تیری کوونکو روسانو او د هغو د پلویانو د یوی نا څوانمردانه حملی په ترڅ کی شهید شو .

از مجاهدین فعال بود که بتاریخ ۱۳٦۰-۷-٦ دریک برخورد باقوای ملحد به شهادت رسید .



عبدالرحمن شهید فرزند مولوی غازی باشند خوست وفرنگ ولایت بغلان در یک خانواده متدین پرورش یافت ، موصوف یک مجاهد فعال بود و در وقت گرفتن فرقه بیست نهرین سهم فعال داشت ، اوکه بعد از هجرت از پاکستان روانه وطن بود در قریه اول خیل ولایت میدان دربرخورد باقوای کافر بدرجه رفیع شهادت نایل شد .



محمد داؤد شهید ولد سید پادشاه یکتن از مجاهدین فداکار بود که

بتاریخ ۲۹-۱-۱۳۶۱ در حصه پیازچه اولسوالی بلخ به درجه شهادت رسید .



شهید حبیب الرحمن ولد غلام رسول در سال ۱۳۳۶ هجری در قریه لاله خیل مرکز بامیان متولد گردید بعد از فراغت از مکتب متوسطه مرکز بامیان شامل دارالمعلمین پروان گردید در سال ۱۳۵۲ از دارالمعلمین فارغ وبه صفت معلم در یکی از مکاتب مرکز بامیان مقرر گردید ، زمانیکه ولایت بامیان بدست مجاهدین فتح شد ، موصوف از محبس رها گردیده با برادران مجاهد خود یک جا شد ، وی بعد از چند ماه جهاد بحیث قوماندان مجاهدین حوزه مربوطه انتخاب گردید و در جنگ های متعددی که علیه کفر و الحاد نمود به موفقیت هایی دست یافت بالاخره در یک واقعه اسف ناک بتاریخ ۳۱ ثور ۱۳۶۱ با برادرش بدرجه عالی شهادت رسید «یادش گرامی باد»

شهید عبدالصبور پسر حاجی عاظم خان به اسم سستعار (خالص) مسکونه قریه قلعچه مربوط مرکز پروان در یک خانواده متدین متولد شد تحصیلات خود را الی صنف ۱۰ دارالمعلمین پروان ادامه داد ، با روی کار آمدن نوکران دون صفت روسی به صف برادران مجاهد پیوست و به جهاد مسلحانه شروع نمود وی د دروجیبه مقدس خود یعنی جهاد لحظه یی هم آرام نبود و



سلاح خود را هیچوقت به زمین نمی گذاشت ، وی از طرف تنظیم محصلین بحیث مسؤول تنظیم محصلان جبهه مرکز پروان مقرر شده بود ، بالاخره در اثر بمباردمان هوایی ۲۷-۹-۱۳۶۰ بهمراه یک برادر کوچک و مادرش بمقام رفیع شهادت نایل شد .



شهید جان گل د تعویذ خان زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د جبهی یو دیر مخلص او فدا کار مجاهد ؤ نومورې د ملحد دولت پرضد په مختلفومحاذونو کی برخه اخیستی او په میرانه جنگیدلی دی ترڅوپه ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه د یوی نښتی په ترڅ کی شهید شو .

شهید هرات گل د حبیب گل زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د کلی او سیدونکی او د حسن خیلو د جبهی یو



فداکار او زړور مجاهد ؤ دغه مجاهد په ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه په حسن خیلو کی د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی شهید شو .



شهید وکیل عبدالصمد فرزند سید خان ۳۸ سال قبل دریک خانواده متدین در دهکده تربوز گذر ولسوالی قلعه زال متولد گردید ، موصوف بابوجود آمدن فاجعه هفت ثور با تحریک اسلامی افغانستان تماس برقرار نمود و با جدیت تمام وظیفه‌محوله اشرا به پیش می برد در ماه ثور ۱۳۵۸ در وقت گرفتن اولسوالی قلعه زال زخمی شد ، در ماه سنبله ۱۳۵۸ به پاکستان مهاجر گردید در اوایل سال ۱۳۵۹ دوباره بوطن برگشت ، بعد از گذشتاندن چند یوم بغرض انجام وظیفه روانه کدام منطقه بود ناگاه تانک های روسی از دریا عبرر نموده وی را با چهار نفر همرزمان او محاصره نمود ، آنها با متانت و مردانگی در مقابل روس ها مقاومت کردند و بالاخره باسه نفر برادرش درین جنگ به شهادت رسید .

محمد عارف شهید ولد سید باطن شاه در سال ۱۳٤٤ متولد



تحصیلاتش را الی صنف هشتم در مکتب متوسط گلنار پل علم ادامه داد نسبت علاقه‌خاصی که به‌جهاد داشت با برادران مجاهدش پیوست و در سال ۱۳٦۱ بدرجه رفیع شهادت رسید .



شهید خان محمد خان د بلبل زوی پکتیا ولایت د حسن خیلو او سیدونکی ؤ ده د ایمانی او اسلامی مسؤلیت پر بناء په مختلفو محاذونو کی د ملحد دولت پرضد وسله وال جهاد ترسره کړ بالاخره په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د حسن خیلو په سیمه کی په شهادت ورسید .

شهید ملا عبدالغنی فرزند مولوی غازی در خوست و فرنگ



ولایت بغلان در سال ۱۳۲۰ هجری تولد بعد از فرا گرفتن علوم دینی موصوف با بمیان آمدن رژیم ملحد تره‌کی مردم را به جهاد مسلحانه دعوت کرد ، در سال ۱۳۵۹ شروع به جهاد مسلحانه نمود ، تا مبرده بعد از چندی به پاکستان مهاجر شد در راه بازگشت بوطن در قریه اول خیل ولایت میدان در برخورد با قوای زمینی و هوائی قوای ملحد بدرجه شهادت رسید .



شهید غلام سخی د گټ خان زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د جبهی یو سرتیری او مخلص مجاهد ؤ نوموړی په افغانستان کی د ملحد دولت د

بسم الله الرحمن الرحیم

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدو الله علیه ج فمنهم من قضیٰ نحبه و منهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا . صدق الله العظیم

(الاحزاب : آیه ۲۳)

ترجمه : از مسلمانان مردانند که راست کردند آنچه عهد بسته بودند با خدا بر آن پس از ایشان کسی هست که به انجام رسانید قرارداد خود را و از ایشان کسی هست که انتظار میکند و بدل نکردند هیچ وجه بدل کردنی .

عن مقدام بن معد یکرب قال ، قال رسول الله صلی الله علیه وسلم للشهید عند الله ست خصال : یغفرله فی اول دفعة من دمه ، و یرا مقعده من الجنة ، و یجار من عذاب القبر و یأمن من الفزع الاکبر ، و یوضع علی رأسه تاج الوقار الیاقوتة منها خیر من الدنیا و ما فیها و یزوج اثنتین و سبعین زوجة من الحور العین و یشفع فی سبعین من اقربائه . صدق رسول الله

(رواه ترمذی ، ابن ماجه ، احمد)

ترجمه : مقدام بن معد یکرب بیان میکند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : برای شهید در نزد خداوند(ج) هفت انعام است : با چکیدن نخستین قطره خون برای او مغفرت نصیب خواهد شد قبل از رفتن به بهشت فرود گاهش در بهشت به وی معلوم خواهد شد ، از عذاب قبر محفوظ خواهد بود ، هنگام اضطراب شدید (که بروز قیامت پیش خواهد آمد) ایمن خواهد بود برسرش تاج وقار (عزت و تکریم) نهاده خواهد شد ، که یک یاقوت آن از دنیا وما فیها نیز بهتر است، زنان خوشگل و چشم زیبا در نکاح وی در خواهد آمد و شفاعت وی در مورد هفت رشته دارش (خویشاوندانش) پذیرفته خواهد شد .

منځ ته راتلو څخه وروسته وسله وال جهاد پیل کړی او په ۱۳۶۱-۱-۲۵ نیټه ئی د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی د شهادت لوړه درجه په نصیب شوه.



شهید ډاکټر محمد ډلالعل محمد زوی د کندهار ولایت د پنځمی ناحیی او سیدونکی او له سرتیرو مجاهدینو څخه و په ۱۳۵۷-۱۰-۱ نیټه‌یی وسله وال جهاد پیل کړ او په ۱۳۶۱-٤-۱۷ نیټه د هغه ولایت د حوض مدد په سیمه کی د ۲۵ کالو په عمر په شهادت ورسید.



شهید گل آقا پسر موسی خان در سال ۱۳۲۵ در قریه ابراهیم خیل میدان ولایت وردک متولد گردید، موصوف درسال ۱۳۵۰ ه. ش بعد از فراغت از لیسه میدان بحیث ماسور در وزارت مالیه مقرر گردید، وی بعد از کودتای ثور ترک وظیفه نمود و بجهاد مسلحانه دست زد، موصوف در یک برخورد شدید باقوای ملحد بتاریخ ۱۳۶۱-۳-۱۸ بدرجه عالی شهادت نایل شد.



شهید سید ابراهیم ولد سید اکبر مسکونه دشت هوفیان ولایت پروان یکی از مجاهدین مخلص بود که بعد از یک سال جهاد مسلحانه بتاریخ ۱۳۶۰-۲-۱۵ بدرجه رفیع شهادت رسید.



شهید مرجان د بنگی زوی د پکتیا ولایت د څاځیو د حسن خیلو د جبهی یو ډیر مخلص مجاهد او دغه سرتیری مجاهد د ملحد دولت د رامنځ ته کیدو سره سم په عملی وسله وال جهاد لاس پوری کړ او هر راز قربانی ته حاضر شوی دی بالاخره په ۱۳۶۱-۱-۲۵ نیټه د حسن خیلو په سیمه کی په یوه نښته کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

شهید لامیر د اول میر زوی د پکتیا ولایت د څاځیو د حسن خیلو د جبهی له سرتیرو اومخلصو



مجاهدینو څخه و نومورې د دهری رژیم پرضد د جهاد په مختلفو محاذونو کی برخه اخیستی بالاخره په ۱۳۶۱-۱-۲۵ نیټه په حسن خیلو کی د دښمن له قواؤ سره په یوه خونړی جګړه کی د څلویښتو کالو په عمر شهید شو.

شهید عبدالعزیز د قلندر زوی د لوګر ولایت د برمکی برک د ولسوالی د نازک سلطانی د برمکی را جان په کلی کی زیږیدلی، ده لومړنی تحصیلات تر شپږم ټولګی

پوری دیرهٔ کی را حان په ښوونځی کی بشپړ او وروسته یی د بزګری کسب غوره کړ په افغانستان کی د روس د ګوداګی رژیم د منځ ته راتلو نه وروسته یی په وسله وال

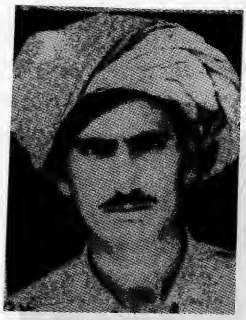


جهاد د لاس پوری کړ ترڅو په ۱۳٦۰-۳-٤ نیټه ئی لوګر د بره‌کی را جان د ده شیخ د جګړی په ترڅ کی د شهادت خوږ جام و څښه .



شهید خالد مسکونه ولایت پروان یکی از مجاهدین راستین بود که بتاریخ ۱۳۵۹-۱۱-۱۲ به اثر بمبارد مان هوائی به شهادت رسید .

شهید وکیل بادشاه د نور سید شاه زوی د پکتیا ولایت دخوست د صبریو د څونی کلی اوسیدونکی یو تکړه او غیرتی مجاهد چی د یوی غربی کورنی څخه و وظیفه یی بزګری وه د تره کی د ملحد رژیم په رامنځ ته کیدو سره یی وسله وال جهاد پیل کړ او په میرانه و جنګیده په



۱۳٦۱-۱-۱۲هش نیټه کله چی یی په یوه خونړی نښته کی د ملحد دښمن دوه عرادی ټانګونه او درې کسه ملیشه عسکر له منځ یو وړل د لاسی بم هدف و ګرځید او شهید شو .



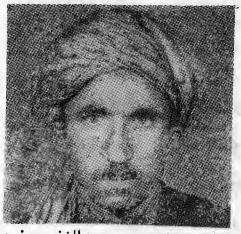
شهید عبدالعطا ولد جهانګیر در سال ۱۳۳٤ در ولسوالی نهرین ولایت بغلان متولد ګردید ، نامبرده در سال ۱۳۵۸ شروع بجهاد مسلحانه نمود بالاخره در عملیات ماه جدی سال ۱۳٦۰ که بالای پوسته های حکومتی اجرا میشد په اثر بمباردمان هوائی بدرجه شهادت رسید .

شهید عجب نور د عبدالرشید زوی د هلمند ولایت د ناوی ولسوالی اوسیدونکی یو تکړه او زړور مجاهدو په ۱۳٦۱ کال کی یی وسله وال جهاد پیل کړ د نژدی یو کال جهاد نه وروسته په یوه نښته کی چی ځلورکسه ملحدین یی



ووژل په خپله د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید محمود د عبدالغفور زوی د هلمند ولایت د ناد علی

ولسوالی د چاه میرزا د کلی اوسیدونکی یو متقی او سرتیری مجاهدو ده په ۱۳۵۸ کال کی وسله وال جهاد پیل او په ۱۳۶۰-۶-۱۰ نیټه د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید حسن خان د مصری خان زوی د پکتیا ولایت د څاڅیو د حسن خیلو د جبهی یو مخلص او فدا کار مجاهد ؤ ده د ایمانی او اسلامی مسؤلیت په بناء په مختلفو محاذونو کی په پوره میړانه سره جهاد سر ته رسولی او په پای کی په ۱۳۶۱-۱-۲۵ نیټه د هغی قوی د مقابلی په ترڅ کی شهید شو چی د حسن خیلو په لیسه یی برید وکړ .

شهید کوتوال د سید گل زوی د کندهار ولایت د ډنډ ولسوالی د ناصرانو اوسیدونکی ؤ نومورې په ۱۳۵۸ هـ ش کال وسله وال جهاد پیل کړی او د رحمن جبهی له سرتیرو مجاهدینو څخه ؤ دغه



مجاهد بالاخره په ۵-۴-۱۳۶۰ نیټه په ښور ندام کی د ۳۵ کالو په عمر د شهادت لوړ مقام ته ورسید .



شهید حبیب الله جان د محمد ایاز زوی د پکتیا ولایت دځمکنیو د پټان او سیدونکی چی په ۱۳۲۲-۱-۱۹ نیټه په خپل پلارنی تاټوبی کی زیږیدلی ده خپل تحصیلات دپټان په منځنی ښوونځی او د کابل میخانیکی ښوونځی کی پای ته و رسول او د پکتا ولایت د کوټکی د څنګلونو په ریاست کی د څه مودی وظیفی اجراء کولو نه وروسته د دوه کالو لپاره د زده کړی په منظور غربی المان ته ولاړ کله چی بیرته راغی د داؤد د رژیم د ډیر فشار له کبله یی له خپلی وظیفی څخه استعفا وکړه او د ترهګی د ملحد رژیم د منځ ته راتلونه وروسته یی په وسله وال جهاد لاس پوری کړ ترڅو په ۱۳۶۱-۱-۱۹ نیټه د څکمنیو په ۱۸ غنډ باندی د برید په نتیجه کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید روح دی ښاد او یاد دی تل وی .

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید محمد میر ولد سید امیر مسکونه قلعه بختیاران ولسوالی ده سبز ولایت کابل بعد از یک سلسله جهاد مقدس علیه کفر و



کمونیسم بالآخره بتاریخ ۲۷ برج اسد سال ۱۳۶۱ در یک برخورد شدید باقوای روسی بدرجه شهادت رسید .

شهید عبدالقدوس یکی از سربازان شجاع و دلیر اسلام بودکه بتاریخ ۱۳۶۰-۲-۳ در یک عملیات بالای پوسته لیسه نعمان ولایت



پروان بدرجه عالی شهادت رسید .

محمد داود شهید پسر حاجی عبدالقدوس خان در سال ۱۳۲۷



در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر متولد گردید وی علاقه خاص که به جهاد داشت با روی کار آمدن رژیم کافر روسی در افغانستان شروع بجهاد مسلحانه نمود ، بالاخره بتاریخ ۲۳-۳-۱۳۶۱ به اثر اصابت گلوله زخمی و به درجه شهادت رسید .

شهید مولوی شیرین د محمد اعظم زوی د کندز ولایت د علی آباد ولسوالی د لعل میدان اوسیدونکی و ده ۱۲ کاله د خپل هیواد په مختلفو مدرسو کی د دینی علومو زده کړه پای ته



و رسوله او له هغه وروسته یی د کندز په رحمانیه او قندهاری مدرسو کی د مدرس وظیفه اجرا کوله ، مولوی صاحب شیرین د ثور د کر غیرنی کودتانه وروسته د دینی علومو په تدریس برسیره دهغه ځای خلکوته د کمونیزم پر ضد د نظری جهاد درس ورکاوه ترڅو د دهری رژیم پرضد د عملی جهاد کولو لپاره تشویق شی . نومورې مولوی صاحب په ۱۵-٤-۱۳۵۸ نیټه پاکستان ته هجرت وکړاوپه . ۱-۷-۱۲۵۹ نیټه بیر ته خپل هیوادته راغی او د کندز په ولایت کی یی په وسله وال جهاد لاسی پوری کړ او په مختلفو محاذو نوکی یی د قوماندان په توګه وظیفه اجرا کړه بالاخره په هغه نښته کی چې په ۱۳-۱۲-۱۳۵۹ نیټه د لاله میدان .په سیمه کی واقع شوه د ۲٦ کسه همسنګرو سره یوځای د شهادت لوړ مقام ته ورسید روح د ی شاد او یاد دی تل‌وی

شهید عبدالسلام د ملا عبدالکریم زوی د هلمند ولایت د گرشک د ولسوالی د سنګین د علاقه داری دشوراؤ د کلی اوسیدونکی د یوه کال مسلحانه جهاد په موده کی یی زیات شمیر ملحدین جهنم ته ولیږل په ۱۳٦۰



کال د بابا جی په علاقه‌داری‌کی په یوه سخته نښته کی شهید شو .

(انا لله وانا الیه راجعون)



محمد یوسف شهید یکتن از مجاهدین فداکار اسلام بود که در یک برخورد شدید باقوای روس در قریه مرگین تپه بلخ به شهادت رسید .

د انقلاب انګازې

ن ـ لاجور دین شهری

نماز بر کوبرستان وجودت ، بهار پروریش و شگفتن را خاق کند .

نماز ، «پوسیدن» و «رسوب» را از تو «دفع کند» .

نماز حیات انقلابی وشکو همند ، حیات حرکت و برخاستن و «شدن» به سکونستان قلبت وارد کند .

نماز آدمی را از سطح مبتذل خوردن و خوابیدن بالا برد و انسانش کند .

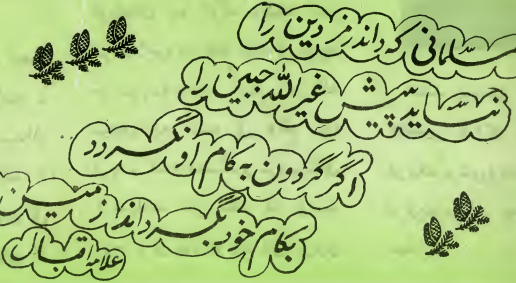
نماز ، یعنی تازگی همیشگی ، طهارت جاودانه و صفای ضمیر .

نماز صمیانه و عاشقانه یعنی قیام در برابر خداوند یگانه ، و بجز او نفی .

همه مظاهر پرستش و عبودت در برابر بت های «زمان» انسان مؤمن را درس همیشگی مقاومت ، عظمت ووالائی می بخشد و نماز به نماز گذار حرکت را تا سرحد نابودی استعمار ، استحمار و استثمار و کلیه مظاهر ستم و رذیلت ، دستور می دهد . این است چکیدهٔ کوچکی از اتیانوس فضیلتهای نماز :

عبور نور

از چراغ «صلوة» پرژرفا
پرتو افگن «به عمق تیرهٔ شب»
رهکشا از شهاب «درد خضوع»
در دل سخت آسمان سکوت
آری ای خون! ای طهارت عشق!
ای «مسلمان» درد مند «زمان»
ایستادن به پیشگاه «خدا»
در دل بیکرانهٔ شبها
اوج وارستگی نهان دارد
کائناتیست پر ز معنی ها
از چراغ «قیام» خلوت شب
نور باران ، «زندگیها» کن
از نماز مقاومت : آموز . . .
درس «رزمیدن» و «ستیزیدن»
درس «وارستن» و «شگوفیدن»
درسهای علیه استعمار . . .
درسهای علیه جهل و «رسوب»
درسهای علیه «شرک» و «ریا»
درسهای علیه «پوسیدن»
درسهای به ضد «جور» و «ستم»
آری از مکتب «قیام» آموز
«ایده» و «فکر» انقلاب افروز
رستگاریست در نهاد قیام
همچو آهنگ پاک ساز «صیام»
ای فدایت به صبحگاه بر خیز
بر دل کهکشان «طهارت» ریز
آری ، ای «مؤمن» بلا دیده
«رنج تاریخ خلق» بگزیده
ژرفنای سکوت و هم انگیز
از «قیام خضوع» ، هلهله ریز
از «حضور» نماز ظلمت شب
لرزه بر جان این «زمانه» بریز
رستخیزی قیام بخش ، افروز
ای «سجود شب» و صلابت روز
«محتوا» بخش بر «وجود» تهی
زین «می» کیفیت فزا ، «مینا»
از «پیام» صلوة و موجهٔ «خون»
بودن «خوب» خویش کن معنی
انقلاب فروغ مند ، افروز
خصم «انسان درد» یکسره سوز
ز انقلاب شکوهمند «نماز»
فکر نو ، طرح نو براه انداز
«لحظه» ها از عبورگاه «زمان»
در گریزو مگر ترا جویان
پویشی کن تو هم ز «جا» برخیز
با «قیام» سحر بپا بر خیز
«منقلب» می کند «نماز» ترا
در «نو» وارستگی همیارد



شپیلوی

تور ښکیلاک که انسان داغی یاني توکی
سور وحشی پي شپیلوی د تن هلوکی
د اسلام په ویاندی دواړه سره یو دی
خوبیا هم له ساتند وی نه ډیر وړوکی
چی خړوب شوی داسلام په اوبونه‌دی
د الحاد په اور به سوځی دا وچوکی
یوه وړځ به په چینه د عقل پریوزی
چی او به څکی د مادیت له توږندوکی
هغه څوک دی د جزا په انتظار وی
د فتنی چی گرځوی په شاپنډوکی
په سرو وینو د حق لار ساته «حقپاله»
که ځان په سترگو درکی یا چړوکی

مزرعت را به آب می بندد
بر کویر وجود سوزانت
لاله زار و بهار می آرد
در تو «بیگانگی» بمیراند
در تو «روح خودی» برویاند
می شود از «نماز» ای «مؤمن» !
«زندگی» از بلا و رنج ایمن
«زندگی» سجده به خداوند است
آنکه این «ره» نبرد «در بند» است
با «قیام» ، ای برادر! ای انسان!
پیشتاز عزیز قافله شو

زخون خویش رقم جاودانه باید کرد

بپا بدهر چو عنقاسانه باید کرد
بعزم راه سفر ترک لانه باید کرد
چو آذ رخش بهاران به هر نفس زشرر
به صوب تیره دلی ها زبانه باید کرد
سلاح غیرت و ایمان می سزد برکف
جبین نحس عدو را نشانه باید کرد
قدم کشی نه بجا است از حریم ستیز
طواف کعبه درین آستانه باید کرد
بجز ز خودگذری آزمون دیگر نیست
بدر گهش حذر از هر بهانه باید کرد
اثر ز عرض وجودی به مصحف ایثار
ز خون خویش رقم جاویدانه باید کرد

ز بهر قرب اجابت به آستان حرم
به سان «شکوه» دعای شبانه باید کرد

والجزايري

اُمیر عبدالقادر پاڅون

د امیر خیره او شخصیت :

امیر عبدالقادر منځوی و نه د رلوده ، نه لوړ ؤ او نه تیت ، غښتلی غړی یی د رلودل منډلی ښکاریده او د هر چا خوښیده . د ده د زړه لو به اس لو به وه او په دی کار کی یی پوره مهارت د رلود. په عادی ډول به د سبا د لمانځه په سپیله داغ کی پاځیده او وروسته له لمانځه به یی خوب نه کاوه او ټوله ورځ به د درنو چارو په اجـرا کولو بوخت ؤ او پـه سترګوکی به یی د بشپړی مهربانی نښی نښانی او قوی اراده لیدل کیده. دا یوه څرګنده خبره ده چی د هیڅ یوه ځواک په مقابل کی به یی خپل سر نه ټیټاوه او نه یواځی دا چی هغه به د هیڅ یوه تهدید په وړاندی د چا فرمان نه مانه بلکه لابه یی د هغه تینګار او مقاومت زیاتا وه او نور به یی هم قوی او جنګیالی کړ . په هغو برخوردونـو کی چی امیر لـه فرانسویانو سره کړی دی د غسی چاری ډیری پیښی شوی دی . ده به په ارام ، تینګ او اغیزمن غږ سره خبری کولی او د لوړ او از مقابل به چا په لوړ او از وږسره خبری کولی هغه ته به یی غوږ نه نیوه په دی هکله به یی زیات د قرآن کریم په فرمایش چی د لقمان په ژبه د لقمان زوی ته پند ورکوی، بیلګی (مثالونه) راوړلی : «غږ دی ورو او ټیټ کړه ، په غږونو کی تر ټولو بد غږ د خره غږ دی».

د امیر سر د هغه د وجود په تناسب یولوړ څه غټ او په ګډو تورو ویښتانوپټ و هغه دو مره متواضع سړی‌ؤ چی خپل بوټونه‌به یی پخپله پیوندول اوهرکله‌به‌یی چی جامی څیری شوی نو پخپله به یی ګندلی له همدی کبله د هغه په باره کی ویل شوی دی «امیر به دروغی او صلحی په وخت کی له ستنی څخه هسی کار اخیسته لکه څنګه چی یی د جنګ په وخت کی له توری څخه اخیسته» دغه عمل یی چی خپلی جامی او بوټان به یی پخپله ګنډل ستر پیغمبر صلی الله علیه وسلم ته ورته ؤ . هغه څه چی به دی تر هر څه زیات څوږ اوه هغه ذهنی فراغت ؤ له همدی کبله به یی ځان د کتاب لیکلو یا لوستلو او یا د شعر په غږولو مشغولا وه . هیڅکله به یی خپله نظریه په زور په چا نه منله بلکه داسی عادت یی د رلود که چیری له کوم مشکل سره به‌مخامخ شونو له خپلی

سور او نورو نژدی خپلوانو څخه به یې مشوره غوښتله او په دی کار کې به یې له حکمت «هر څوک چې له نورو سره مشوره کوی هغوی یې پخپل عقل کې برخمن ګرځولی دی» څخه پیروی کوله . د لوی حوصلی خاوند ؤ هر ډول انتقاد به چې پری وشو په پراخه ټنده به یې مانه او که چیری انتقاد به پرځای ؤ نوله انتقاد کوونکی څخه به یې پوره منله کوله . امیر تیز فکره سړی ؤ او بشپړه قوی حافظه یې د رلوده په همدی ډول د پوره دقت خاوند هم ؤ او هیڅ شی به یې نه هیریده د ګردو د (لهجه) په صراحت ممتاز او غوره کړی شوی ؤ ، چلند یې له هر چا سره یو راز ؤ ریا او غوړه مالی یې ډیره بده ګڼله . هغه لیکونه چې ده ژ نرال (دو ما) ته لیکلی دی په پوره صراحت او قاطعیت سره مشهور دی . ژ نرال (دو ما) د ښځو د تعدد په هکله د اسلام پر دین باندی تاخت کړی دی او دا کار یې په وحشی قبایلو او څنګلی او سیدونکو پوری مربوط او بې اصوله عادت ګڼلی ؤ څنګه چې امیر په دې کار باندی خبر شو یو مفصل لیک یې هغه ته و لیکه چې سوئیر د هغه لیک یوه برخه په لاندی توګه را نقلوو .

«. . . هغه څه چې تا ویلی دی که چیری پرځای وای نوهیڅکله د خدای پیغمرانو دا کار نه کاوه بلکه ګورو چې د تورات په نهه ویشتم اصحاح کې راغلی دی چې یعقوب له (الیا) او (راشیل) سره ازدواج وکړ او همدارنګه په شپږ ویشتم اصحاح کې راغلی دی چې (عیصو) له یو زیات شمیر ښځو سره چې لـه هغـی جملی څخـه (یهـودیت) او (سمات) دی ، ازدواج وکړ .

ژ نرال (دوما) د امیر په لیک قناعت وکړ او وروسته له هغی یې د خپلو لیکونو له جملی څخه په یوه لیک کې په خپله تیروتنه باندی اعتراف وکړ .

د امیر زوړورتیا :

د امیر د شخصیت له سترو بارز ونښو یوه هم د ده افسانوی ډوله زوړورتیا وه له فرانسویانو سره به یې په جنګونو کې د خپل کم شمیر عسکرو په سرکې ځای نیوه او خپله توره به یې تیکی نه را ایستله او و به درید . هر کله چې به یې د حملی لپاره وپتیل نو په لوړ آواز سره به یې دغه جملی تکرار ولی : الله اکبر ، الله علی الظالم (په ظالم باندی حمله وکړی) الله ینصر من ینصره (خدای(ج) یاری کوی هغه چا سره چې یاری کوی له ده سره) ان ینصرکم الله فلا غالب لکم د که چیری خدای(ج) تاسی سره مرسته وکړی نور هیڅوک به پرتاسی غالب نشی ، هغه به په دی جملـو سره د هیـواد پـالو عسکرو په زړونو کې د حماسی د اور لمبی تازه کولی لکه څنګه چې د فرانسوی حکمرانانو له جملی څخه یوه تن ویلی دی : د الجزایر هر سرتیری داسی، زړورتوب او څواک د رلود چې د فرانسی له ډ وه ویشتو سرتیرو سره یې څان برابر اوه .

د جنګ په ډګرونو کې د امیر بې ساری زړورتوب او بریالیتوب د دی سبب شو چې یو زیات شمیر قصاید و غیر وی . ډیر ځله بـه یې دا بوللی (قصیـدی) فی البدیهه ویلی اویارانو به یې تکرار او په یاد زده کولی . بې له څنډه به ژبه په ژبه ګرځیدلی او په هر ځای کې به لوستل کیدی . او په نتیجه کې به یې د الجزایر د ملت په زړه کې د جنګ حماسه بلوله . که څه هم د دوی شمیر د دښمنانو په تناسب لږ په نظر راته خو د دوی لپاره دغه حماسی اشعار په نفس باندی پوره اعتماد او اتکاء وه . دی خپلی ښځی

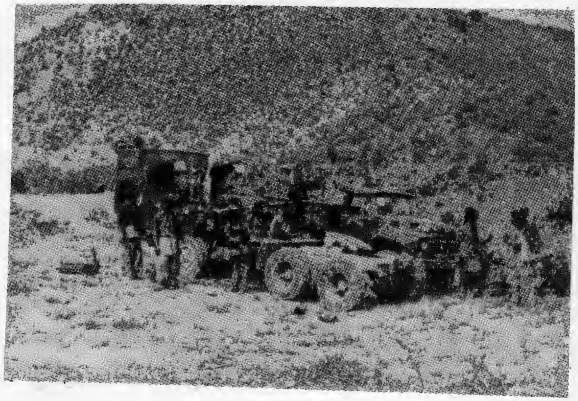
(ام البنین) ته خطاب کوی او وایی :

«سائلنی ام البنین و انها، لاعلم من تحت السماء باحوالی» .

«ام البنین زما د حال پوښتنه کوی حال دا چی د اسمان لاندی چی هر څوک دی تر هغوی دا زما په حال ډیره ښه پوهیږی».

بدویت خوښونه :

امیر عبدالقادر د خپل ژوند تر پایه پوری د بدویت ژوند خوښا وه او صحرایی ژوند یی تر ښاری ژوند غوره ګانه ممکن دا کار به زیاتره د هغه په ریښتیی تصوف پوری اړه د رلوده . په دی ډول هغه طبیعتاً د نړی په نشت شمارلی مظاهر بیخی کوچنی او بی اهمیته ګڼل او په دی باندی یی پوره ایمان د رلود چی دنیوی ژوند له غرور انګیزه لوبو پرته بل څیز نه دی له همدی کبله د هغه نظر دا ؤ چی باید د انسان په سپیڅلی جوهر او اخلاق شریف بنسټ باندی د ښاری تمدن نوی فاسد مظاهر اغیزه ونکړی ، لکه څنګه چی فرانسویانو امیر په فرانسه کی د (امبواز) ښارته تبعید کړ مګر څنګه چی دوی په اسلامی نړی کی د ده د حقیقت دریځ باندی ښه خبروونو په دی وخت کی چی دوی څومره توان د رلود هغومره یی د هغه د احترام لپاره هڅه وکړه . ده او د ده مورته یی په یومانیی کی ځای ورکړ اوامپراتور دریم ناپلئون به په مناسبو وختونو کی د هغه لیدنه کتنه کوله او د هغه په احترام به یی جشنونه جوړول ، توره چی د هغوی د لرغونو اثارو یوه برخه وه امیر ته یی ورکړه فرانسه په دی وخت کی د نړی د تمدن مرکز ؤ او د ژوند د ارامی او تمدن هر ډول اثار په کی موجود ؤ چی شمیر او اندازه یی نه د رلوده . سره له دی چی هیڅ یو له دی وسائلو څخه د امیر له قدرت څخه وتلی نه ؤ خو هغه په پوره پاکی سره ژوند و کاوه او دنیوی مظاهر یی هیڅ و ګڼل . د امبواز په ښار کی یی د خپلی استوګنی په موده کی د فرانسی - ډیرو پوهانو او سترو ادیبانو سره لیدنه کتنه وکړه او په مختلفو مسایلوکی یی له هغوی سره خبری اتری او مناقشی وکړی او د امیر استعداد په فرانسه کی دی ته اماده شو چی یوه ډیره ښه بوللہ یی د صحرا او بدوی ژوند پـــه ستاینـــه کی وویله . د دی ژونـــد او نوی تمدن تر منځ یی له پرتله کولو څخه کار واخیست چی د بوللی لوستونکی د زړه له کومی او د عقل له مخی د امیر د نظریاتو هـــری خواسره توافق کـــوی او خپل ځان بدوی ژوند او د هغه سپیڅلتیا او پاکی ته تیار او امـاده کوی . دغـــه بوللہ پـه فرانسوی ژبه و ژباړل شوه او د فرانسی په ادبی مجلسونو کی یی چغی او ناری سوری را منځ ته کړی او د فرانسی ډیر و نقادانو پری حاشیی ولیکلی .



بقیهٔ سرمقاله

رفته و به دلیل اینکه در پیمان و عهد خود با خداوند صادق بوده و از دیگران پیشی گرفته لذا لهذاء ذکر خیر شان از اهمیت خاصی برخوردار می باشد ثانیاً اینکه یاد کارنامه هاود لاوری های آن رز مندگان با شهامت ، الهام بخش مجاهد ین کنونی و سر مشق مبا رزانی شان در جهاد مسلحانه ما میگردد.

وثا لثاً اینکه ، یاد نامه شهیدان خدمت یست که بتاریخ انقلاب اسلامی صورت میگیرد زیراقسمت مهم تاریخ انقلاب را کارنامه ها و یاد نامه های شهیدان تشکیل مید هد و جمع آوری و نشر اینگو نه مطالب برای امروز شاید کار سهل و اسانی بوده باشد و به مرور زمان مشکلاتی را ببار خواهد آورد زیرا معلومات در مورد نام یک شهید ، مختصر زند گانی و چگونگی شهادت آن که ایا در جبهه ، زندان و یا توسط بمبارد مان هوائی و . . . به شهادت رسید که این همه برای آکنون به سهولت میسر میگردد ولی بعد از گذشت زمان شاید وقت بیشتر را جهت تحقیق و مطالعه ایجاب نماید .

فلهذا لازم است تا برادران مجاهد ماکه در هر نقطه از کشور قرارد ارند در پهلوی سایر و ظایف و مکلفیت ها به این امر نیز توجه جدی مبذول دارند و وقتاً فوقتاً اسامی و شرح حال وچند قطعه عکس شهدای انقلاب را به اداره مجله بفرستند تا تاریخ انقلاب در این قسمت نا تمام نماند وما در اینده چیزی بنام سپاهی گمنام و یا شهید گم نام نداشته باشیم و لازم است فرد فرد شهیدان وبه خون خفتگان گرامی جهاد ما با نام و مشخصات شهادت ، ثبت دفاتر گردند وهیچ کدام نا شناخته و گمنام نماند .

بناً نشر این مجله اقدا میست درین جهت و گام دیگر یست در مسیر دعوت جهاد و روشنگری و نیروی تازه یی افزایداست که به توانایی با زوی فرهنگ انقلاب می افزاید و طبیعی است که به همکاری های متداوم تمام برادران و خوا هران مسلمان وهدف مند ما نیاز داشته و چشم براه ان میباشد .

روان شهیدان ما شاد ، یاد شان گرامی و راه شان مستدام باد .

رمونږ دسپیڅلی . . .

او دلیل ئی هم همدا دی چی دوی د ایمان ، تقواء او د خدای سره د ارتباط له لیاری زښت زیات خوار او فقیران وو .

دا فاسده ، نامسلمانه او کفری دستگاه چی کله هم لدی مایوسه شوی ده چی ځینی له خدای جل جلاله سره ترلی رښتینی ، واقعی ، او مسلمان دینی عالمان دی خپل وجدان، عزت، او علمی لورتیا د دوی په غولوونکو اوله مینځه تلونکو درواغجنو او کوټه وعدوپسواوټکو و پلوری دهغوی د سرکوبولو، ټکولو او له منیځه وړلو لپاره ئی له هر رنگ وسیلی ځخه کار اخیستی دی .

کله خوئی د دښمن د ایجنټ نماینده ، او نوکر په تور ، تورن کړی وی لکه د فاسد اونامسلمانه امان الله پرضد د قیام او مقاومت لارښوونکی ئی پدی ټومونو وستایل د ټوکو او ملنډو ځخه ئی یوه ستر او مجاهد مشر ته د (گوډ ملا) نوم اخستلو او د هغه وخت د رښتینو او په وطن مینه دینی عالمانو قیام او مقاومت ته ئی غیر اسلامی اوغیر ملی مقاومت

بسم الله الرحمن الرحیم



شهید پیغام

د اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان فرهنگی کمیټې میاشتنی خپرونه

۱۳۶۱ ش کال ، لړم میاشت ـ ۱۴۰۳ ق کال، محرم الحرام میاشت

په دې ګنه کې

به نام خداوند توانا و دادگر

زمونږ د سپیڅلي جهاد په لړ کې ..

شورای اقتصادی "کومیکان" . . .

په کابل کې د برینبا وزارت

صهیونزم

ای شهیده ته څوک یې !

د تورغره ګربت

خونین کفنان راهِ حق

د انقلاب انګازی

د الجزایری امیر عبدالقادر پاڅون

د افغانستان د کربلا شهیدان

احمد شاه ((وحدت))
Ahmad Shah (Vahdat)
A. K. P. O.

او پاڅون ویلی دی .

او کله ئی دارنګه سپیڅلی او د خدای په دین پوه عالمان د غیر مترقی او زوړ خیالو عالمانو په نوم سره یاد کړی او د ترقی او پرمختګ د حاصلولو په لیار کښی یې ستر خنډونه ګټلی او له منځه ئی وړی دی .

دا له هیڅا هیرنـــدی چی د کندهار دینی عالمان یواځی په همدی تور ووژل شول چی هغوی د دولت د غیر اسلامی عمل (بی پرده ګی) سره مخالفت وکړ یا په بل عبارت هغوی د پرمختګ او وړاندی توب په مخکی ځت ، خنډونه او د دښمنان و چی د پرمختګ ځپاند سیلاب له منځه یو وړل .

او دا هم له چا هیرندی چی د کابل پارپل خشتی له جومات څخه هم د ترقی او پرمختګ همدغه خونړی او لیونی سیلاب سپین ږیری اوځوان په دین پوه عالمان لاهو کړل تر لری لری ځایونو پوری یې یووړل .

پالاخره :

چی د یوی ټولنی فکری او علمی چینی او د لارښوونی لوړ مقامونه له دغسی ستونزو کړاوونو او مشکلاتو سره مخامخ وی په د غسی سختیو او تکلیفونو کښی شپی او ورځی تیروی .

دا واقعیت او ثابت حقیقت دی چی غړی او اوسیدونکی به ئی له اسلامی ریښتینی علم اسلامی معلوماتو او لارښوونو سره نا آشنا وی .

او په پای کی به له هر ډول بدبختیو سره مخ وی . نور بیا

شورای اقتصادی . . .

حالت صنعتی و اقتصادی سال های قبل از جنگ را اعاده نماید .

روس ها درین ایام مراحل ابتدائی استحکام قدرت شان را در اروپای شرقی می پیمودند و میکو شیدند که از بر قراری روابط سیاسی و اقتصادی ممالک اقمار با غرب و در عین زمان از ار تباطات ذات البینی ممالک منطقه جلو گیری نمایند . ستالین ازین می ترسید که بوجود امدن دست های دو یا سه ممالک در داخل امپرا طور غیر رسمی خطرات وخیمی را ببار خواهد اورد لذا میکو شید روابط آنها را از طریق مسکو عیار سازد و نگذارد که چند دستگی های رسمی در بین ممالک اقمار بوجود اید . به این ترتیب ستالین میکو شید که با هریک از اقمار بصورت مستقیم ارتبا طات دو جانبه داشته وار تبا طات چندین جانبه را از طریق مؤسساتی که برفعالیت های همه ممالک اقمار تسلط داشته باشد ، برقرار نماید .

روس ها در تشکیل «کومیکان» منافع کوتاه مدت و طویل المدت شانرا جداً در نظر داشت روسیه که در طول جنگ جهانی اول تلفات و خسارات جانی و مالی فراوانی را متحمل گردیده بود و اشخاص کاردان و فنی ان به خاطر نجات حیات شان از خطر ترور ستالین به غرب پناه برده بودند در مدت کوتاهی نیازمند احیای صنایع ثقیله و بلند بردن سطح تولیدات زراعتی بود . ستالین میکوشید که اقتصاد داخلی روسیه را تقویت نموده و ممالک اروپای شرقی راکه در رأس احزاب کمونستی حاکم (مسکویت ها) قرار داشتند دریک بلاک مستحکم ایدیولوژیکی و نظامی جابجا نموده به غرب فرصت نفوذ در منطقه راند هد این هدف تنها بابسیج نمودن تمام منابع اقتصادی و سیاسی در منطقه یک صف واحد جهت بوجود اوردن دیوار اهنین در غرب امپرا طوری روسیه براورده میگردید اما همینکه معلوم گردید که بوجود اوردن این

نیروی عظیم جهت‌برآوردن اهداف فوری ستالین تا ممکن می باشد لهذا به فعالیت های ابتدائی اقتصادی اکتفا نمودند . سیاست در از مدت روسیه در منطقه عبارت بود از باهم نزدیک ساختن همه جانبه ممالک منطقه دریک بلاک واحد اقتصادی - نظامی سترا تیژیکی و بالاخره از بین بردن حساسیت های ضد روسی و اکمال امپراطوری عظیم روسی . این هدف هم جزاز طریق تماس های متداوم و ارتباطات عمیق ار گا نهای اقتصادی و نظامی میسر نمیگردید لذا ستالین به تشکیل مؤسسات مثل کو میکان اهمیت خاصی میداد و میکوشید از طریق آن ، نظام اقتصادی ممالک اقمار رابه نمونهٔ اقتصاد روسیه عیار سازد تا دو گونگی اداری و تنظیمی در آینده وجود نداشته باشد .

در جون ۱۹۷۸ ویتنام بحیث عضو کو میکان شناخته شد یکی از دلایل عمده شمولیت ان در کو میکان این بود که روسیه نمیتوانیست بیش ازین مصارف هنگفت اعمال و فعالیت های ماجرا جویانه ویتنام را که بحیث ژاندارم منطقه در امده بود بدوش بگیر دو برای اینکه توانسته باشد قسمتی از کمک ها و قرضه های خارجی انرا بدوش سایر اعضای «کومیکان» تحمیل نماید ان مملکت بحیث عضو دائمی «کومیکان» شناخته شد .

باانکه شورای اقتصادی «کومیکان» مختص شورای همکاری اقتصادی متقابل می باشد اما روسها بخوبی می دانستند که روحیه همکاری متقابل دران زمانیکه ممالک اروپای شرقی زیر بار غرامات جنگ دست و پاسی زدند ممکن نبود و امید این را نداشتند که از طرق قانونی کدام کمکی ازین ممالک بدست ارد زیرا انها تمام خواسته های شانرا از قبیل بدست اوردن مواد خام استفاده از کارخانه های تصفیه نفت و انتقال کارخانه های ممالک ار وپای شرقی با روسیه به عنوان غرامات جنگ تحمیل می نمودند لذاء تشکیل «کومیکان» خود دارای انگیزه های سیاسی بود که در فوق ذکر شد روی‌همین دلیل بودکه «کومیکان» تا اخیر دههٔ ۱۹۵۰ غیر فعال بود و فقط روی دست گرفتن پروژه های ساختمانی محدود اکتفا نمودند . اعمار پل فراز دریای دانیوب در سال ۱۹۵٤ توسط بلغاریا و رومانیا و پروژه های تولید برق در نووی دور Novy dvor واقع در پولند به همکاری مشترک پولند و چکو سلواکیا از فعالیت های عمده ممالک کومیکان به حساب می اید . علاوه برآن امضای قرارداد های تجارتی دو جانبه و تجارت بار تری بین ممالک منطقه به امضا رسید که با مقایسه اهداف متذکره در منشور کومیکان از اهمیت خیلی کم بر خوردار می باشد .

قیام های سال ۱۹۵٦ پولند و هنگری باعث تغیرات عمده و مهم در سیاست های خارجی روسیه گردید . با انکه قیام های مذکور در هنگری توسط قوای نظامی در پولند از طرق سیاسی و تغیر رهبری پایان یافت اما روسها به این نتیجه رسیدند که بیش ازین نمیتوان ممالک ارو پای شرقی را تنها از طرق نظامی اداره نمود لذا «کومیکان» اهمیت خاصی پیدا نمود و این موسسه دوره جدید حیات را اغاز نمود . غرامات جنگ که باید توسط ممالک مذکور به روسیه پرداخته می شد تکمیل گر دیده بود ، سیاست های ستالین از طرف کدر رهبری حزب کمونیست روسیه مورد انتقاد قرار گرفت و خرو سچف تصمیم گرفت که طرقی را که باعث جلب همکاری های داو طلبانهٔ ممالک اقمار گردد جستجو نماید بنظروی موثر ترین ان بوجود اوردن بافت همه جانبه اقتصاد روسیه با ممالک اروپای شرقی بود .

د افغانستان د کربلا شهیدان





شهید زړسټ د ګل اغلاځ زوی د ننګرهار ولایت درودانو ولسوالی د پرود کلی اوسیدونکی چې یو ډیر زړور قوماندان و د ثور داوومی نیټی د کرغېړنی کودتا سره سم یې خپل ټول شخصی کارونه شا ته وغورځول او په وسله وال جهاد یې پیل وکړ ده برسېره پرځانی قربانی خپله شتمنی هم ټوله پهمجاهدینوصرف کړه حتی دشهادت په شپه یې هم (۱۵۰۰۰) افغانی مجاهدینو ته ورکړې دا فدا کار ځوان په ۲۵-۱-۱۳۶۱ د کوشتل په کلی کی د روسانو د یوی لویی قوی سره د مقابلی په وخت کی وروسته لهډیرچې ۱۷ تنه روسانیې ووژل له خپلو ځاورو همسنګره ورونو سره په شهادت ورسید روح دی خوښ اویا د دی ژوندی وی

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید حاجی غلام محی الدین د عبدالشکور خان زوی د کندهار ولایت د دوهمی ناحیی اوسیدونکی ۲۸ کالـه پخوا پـه یوه دینداره



کورنی کی زیږیدلی او د شهادت تر نیټی پوری پـه ښو اخلاقو مشهورو ده د روسانو د مزدورانو د قدرت تـه رسیدو سره سم د جهاد پګرته و دانګل او د الهی حکومت د جوړیدو لپاره یې نه ستومانه کیدونکی هلی ځلی وکړی د ده کشر ورور په ۲۷-۱-۱۳۶۰ نیټه پـه شهـادت ورسیـد او دی پـه خپلـه پـه ۲۱-۲-۱۳۶۰ نیټه د کندهـار ولایت د ارغنـداب ولسوالی د لوی منارې په کلی کی په شهادت ورسید .

(انا لله و انا الیه راجعون)

شهید عبداللطیف چی اصلی نوم یی احمد الله دی د خدای نظر خان زوی د کندهار ولایت د ارغنداب ولسوالی د لوی تا بین په کلی کی په ۱۳۳۳ه کال زیږیدلی لرمړنی زده کړه‌ی د شاه اشرف به ښوونځی گی بشپړه کړه د کمونستانو د قدرت ته رسیدو



سره سم مهاجر شو د ده د پوهی او استعداد په اساس د کندهار ولایت د تنظیم او دعوت د چارـ



فرش کولو کی یی زیات مهارت در لود نوسوړی مجاهد پوره څلور کاله په نه ستومانه کیدونکی توګه وسله وال جهاد وکړ ترڅو چی په ۱۳۶۱-۲-۱۵ نیټه دغه د اسلام د لیاری سرتیری مجاهد د زړست د ولسوالی د درنګ په‌سیمه کی د مجاهدینو د تګ راتګ د یوی مهمی لاری (د دښمن له مینونو څخه) د پاکولو په وخت کی په شهادت ورسید روح دی ښاد او یاد دی تل وی .

شهید حاجی جان محمد د ګل علم زوی د لوګر ولایت د دادو خیلو په یوه متدینه کورنی کی په ۱۳۰۲هش کال زیږیدلی دی دغه په ظاهر سپین ږیری خو په عزم او اراده کی ځوان شهید له خپلو د وو ځوانـــو زامنو ســـره پـــه ۱۳۵۷هش کال په عملی وسله وال جهاد لاس پوری کړ او په پوره میړانه او متانت د جهاد او شهادت په ډګر کی و جنګید تر څو په ۱۳۶۰-۱۲-۱۸ نیټه په مجاهدینو لپاره وقف کړه او نوری ږیری داسی قربانی یی ورکړی ترڅو چی په ۱۳۵۸ کال کی د وسله وال جهاد لپاره د تور غره جبهی‌ته ولاړ او هلته یی د مرستیال په توګه وظیفه اجراء کوله یو کال وروسته خپل اصلی ټاټوبی (د سروبی سلام خیلو) ته ولاړ او هلته یی د ملحد دولت پر ضد زیات شمیر خلک راوپا رول او د هغوی قوماندنه یی په خپله غاړه واخیسته او د ۱۳۶۰ دوږی په میاشت کی په شهادت ورسید .

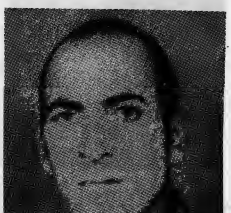
(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید محمد ابراهیم (جلالی) د پکتیا ولایت د زړست د ولسوالی د منجودو اوسیدونکی و چی په ۱۳۳۶ هـ ش کال د منجودو په کلی کی زیږیدلی او په ۱۳۳٤هش کال د روحانی بابا په کلیوالی ښوونځی کی شامل شو له فراغت نه وروسته یی د دینی علومو په زده کړه پیل وکړ ده خپل تحصیل تراتم ټولګی پوری د غزنی په نور المدارس کی بشپړ کړ شهید محمد ابراهیم د ټور د کر غیرتی کودتانه وروسته سمد لاسه تحصیل پریښوود او په وسله وال جهاد یی پیل وکړ دی د شاهیکوټ د جبهی د چریکی ګروپ قوماندان و او د مین په خنشی کولو او



شهید امیر جان «خادم» د ملک بهائی جان زوی په ۱۳۲۹ کال د کابل ولایت ، سروبی ولسوالی اسلام خیلو په کټه سنګ کی زیږیدلی د اسلام د لیاری دنومیالیو او فدا کارو مجاهدینو څخه ودی به هر کال دژمی په موسم کی د لغمان ولایت ته تی او هلته یی هم د کور لپاره یوه ودانی لر له چی هغه یی د کمونستانو د رامنځ ته کیدو په اولو ورځو کی د

یوه خونړی جګړه کی په شهادت ورسید روح دی ښاد او لاره دی تل وی .



شهید علی اکبر د اصل دین زوی د پکتیا ولایت د ځاځیو د حسن خیلو په کلی کی زیږیدلی په ۱۳٤۰ ش کال د احمد خیلو په لومړنۍ ښوونځی کی شامل او په ۱۳۵۲ ش کال یی د عبدالحی گردیزی په لیسه کی ثانوی تحصیل پای ته ور ساوه ځرنګه چی دی د اسلامی تحریک یو فعال غړی و او د کمونستانو سره یی زیات برخوردونه کول د داؤد په رژیم کی وظیفه ور نکړی شوه نو ایران ته ولاړ کله چی د افغانستان د دولت واګی کمونستانو په لاس کی واخیستی بیرته هیواد ته راغی او په وسله وال جهاد یی لاس پوری کړنودی د حسن خیلو د جبهی د یوه ګروپ قوماندان او همداراز د جبهی د نظامی مسئول په توګه و تاکل شو ده په اکثر وځنګی عملیاتو کی فعاله ونډه اخیستی او ستر بریالیتوبونه یی په نصیب شویدی دغه مجاهد د ښواخلا قو، امانت داری ، شجاعت او اخلاص خاوندو د مجاهدینو په منځ کی یی ښه ساری محبوبیت د رلود ده به همیشه مجاهدینو ته توصیه کوله چی مونږ او تاسو باید له نظر څخه په عمل باندی زیات زور واچوو او خپلی اسلامی نظر یی ته عملی جامه ور واغوندو د اسلام د لیاری دغه مجاهد د مختلفو وسلو په تیره بیاد راکټ لینچر ، ده شکی او هاوان په ویشتلو کی ډیر مهارت درلود دغه سرتیری مجاهد د خپلو (۲٤) تنه ملګرو سره د یرغلګر روس او د کابل د دهری رژیم د هغی حملی په ترڅ کی چی په ۱۳٦۱-۱-۲۵ نیټه یی د حسن خیلو د جبهی مرکز د شپی له خوا محاصره کړ ترڅو چی له مجاهدینو سره مرمی تمامی شوی او د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

(انا لله و انا الیه راجعون)

شهید محمد زمان د سید زمان زوی د پکتیا ولایت د ځاځیو د خوازی خیلو د کلی او سیدونکی ده خپل لومړنی او منځنی زده کړه د ځاځیو د آریوب په لیسه کی پای ته رسولی او ددین د دښمنانو پر ضد یی نه ستومانه کیدونکی



مبارزه کړی ده نومورې مجاهد د ملحد دولت د رامنځ ته کیدونه وروسته په نومورې سیمه کی په تولو لویو اوکوچنیو جنګی عملیاتو کی برخه اخیستی او د خپلو همسنګرانو لپاره یی نه هیریدونکی یاد ګارونه پریښی دی دغه زړور مجاهد په ۱۳٦۱-۳-۱٦ نیټه د ځاځیو د ستیا په سیمه کی په شهادت ورسید روح دی ښاد وی.

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید محمد اکبر د محمد حیدر زوی د کابل ولایت د میر بچه کوټ ولسوالی د کوه سفلی اوسیدونکی نومورې یو سرتیری مجاهدو او همیشه به یی د مجاهدینو د سر ګروپ په توګه

وظیفه اجرا کوله ترځو چی له دوه کاله وسله وال جهاد نه وروسته د ۲۵ کالو په عمر په ۱۳٦۰-۱۲-۲۷ د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



۱۳۵۸-۳-۲۰ نیټه د «بدریه محمدی» په جبهه کی په وسله‌وال جهاد لاس پوری کړ او په ۱۳٦۰-۳-٤ نیټه د یوی سختی نښتی په ترځ کی د ۲۲ کالو په عمر د شهادت لوړ مقام ته ورسید.



شهید عبدالقیوم خان د نظر



الدین خان زوی په قوم مسعود په ۱۳۰۵ه کال د وردګو د چک ولسوالی د یک منن په کلی کی زیږیدلی د پلار له مرګ وروسته تی د مسعودو د قوم مشری په غاړه درلوده د داؤد د رژیم له خوا د اسلام په تور محبس ته ولیږل شو د څاور میاشتی بنده وروسته د ترهکی د ملحد رژیم په وخت کی له بنده خلاص شو اود بیک سمن د علاقی د مجاهدینو له خوا مشرو ټاکل شو په ۱۳۵۸ کی یی په دوو جګړو کی برخه واخیسته په لومړی جګړه کی په پوره میړانه و جنګید او په دوهمه جګړه کی نومورې مجاهد زخمی شو په ۱۳۵۹ کال روسانود بیک سمن کلی تر سختی محاصری لاندی را ووست په دی نښته کی یی ۲۵ تنه روسان ووژل او تر هغی و جنګیده چی شهید شو .

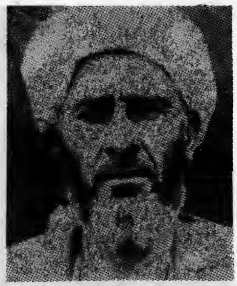
شهید صوبه ګل د سلام خان زوی د پکتیا ولایت د څاځیو د جبهی یو ډیر مخلص مجاهد ؤ



نومورې د ملحد دولت د رامنځ ته کیدونه په دی خوا وسله وال جهاد پیل کړ بالاخره په ۱۳٦۱-۱-۲۵ نیټه د ملحد و قواؤ سره د یوی نښتی په ترځ کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید :

شهید زر خان د ملتان زوی د پکتیا ولایت د حسن خیلو د جبهی یو فدا کار او سرتیری مجاهد ؤ ده په افغانستان کی د ملحد دولت د منځ ته راتلو سره سم په وسله وال جهاد لاس پوری کړ له زیات جهاد کولو نه وروسته په ۱۳٦۱-۱-۲۵ نیټه د یوی خونړی نښتی په ترځ کی شهید شو .

شهید عبدالستار خان د الحاج ملا غلام صدیق زوی چی په ۱۳۰۷ه ش کال د میدان او و ردګو ولایت د سید آباد ولسوالی د شش قلعی په سیمه کی دنیاته راغلی او په هغه ځای کی اوسیدلی دی دغه متدین او دینی عالم کله چی په افغانستان



کی د شرق امپریالیزم لاس پوځو قدرت و نیونو د غیرت وینه یې په جوش راغله او د خپلې پاکې ایمانی جذ بې له مخې یې په وسله وال جهاد لاس پورې کړ او په دې لاره کې هر راز قربانی ته حاضر ؤ نوموړی مجاهد عالم په ۱۸-۵-۱۳٦۰ د روژې په مبارکه میاشت کې د ملحد دښمن له خوا په ډیره بې رحمانه توګه شهید شو.



شهید عبدالمنان ولد جمعه کل در سال ۱۳۳٦ در قریه باشقله ولسوالی نهرین متولد گردید موصوف در سال ۱۳۵۷ به عسکری سوق داده شد ، بعد از چندی از عسکری فرار نمود با برادران مجاهدش ، پیوست ، در اکثر عملیات مجاهدین بر ضد دشمن اشتراک داشت ، بالاخره بتاریخ ٤-۱۱-۱۳٦۰ از طرف اجیران دولت کمونستی به شهادت رسید .

شهید عبدالجبار فرزند عبدالستار مسکونه قریه بابه خیل مرکز ولایت پروان مجاهد هدفمندی بود



که با تهاجم روسها دست به جهاد مسلحانه زد ، در جنگ های متعددی اشتراک میورزید بالآخره بتاریخ ۱۱-۱۰-۱۳٦۰ بدرجه شهادت رسید .



شهید امام قل ولد علی مردان باشنده اولسوالی حضرت امام با بوجود آمدن رژیم کارملی شروع به جهاد مسلحانه نمود و بالآخره بتاریخ ۱-۳-۱۳٦۰ بدرجه‌شهادت رسید .



شهید ملا عبدالطیف پسر مولوی جمعه خان در سال ۱۳۲۷ در قریه دو آبی اولسوالی نهرین چشم بجهان کشود موصوف بعد از فرا گرفتن علوم دینی نزد علمای منطقه شروع به تنویر افکار مردم مسلمان نمود ، موصوف باروی کار آمدن رژیم کمونستی در کابل شروع بجهاد مسلحانه نمود ، بالاخره در ماه سنبله ۱۳٦۰ در وقت دستگیری یکی از وطن فروشان بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید شیر محمد د نور محمد زوی په قوم صالح خیل د پکتیا ولایت دزرمت ولسوالی اوسیدونکی یو تکړه په اسلام مین مجاهد و چې د الله(ج) د کلیمې د لورو لو

په لاره کی یی هیڅ کله خپله وسله پر مخکه نه ایښودله تر څو د ۱۳۶۱ کال د ثور په میاشت کی د زرمت شاهیکوټ ته نژدی په یوه نښته کی په شهادت ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید عبدالسباق د مولوی عبدالخالق زوی د هلمند ولایت د ناد علی ولسوالی د شین کلی اوسیدونکی خو په اصل کی د میدان د جاریز د علاقه داری د خروټی په کلی کی زیږیدلی ده د زیاتی ایمانی جذبی لرلو په اساس په ۱۳۵۷ د ثره کی د رژیم له ابتداء نه خپل وسله وال جهاد پیل کړ تر څو په ۱۳۵۰-۱۲-۱ نیټه د هلمند د شین کلی په سیمه کی په شهادت ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید محمد الله ولد قاری احمد خان مسکونه چارده غوربند ولایت پروان مجاهد با شهامتی بود که با بوجود آمدن کمونست ها در افغانستان دست بفعالیت زد،



در جبهات جهاد حق علیه باطل شرکت میورزید بالآخره در یک برخورد با قوای ملحد بتاریخ ۱۳۶۱-۱-۱۶ بدرجه رفیع شهادت نایل شد.

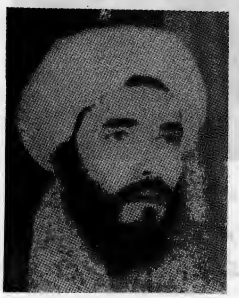


شهید عبدالاحد ولد بوته ملنگ در سال ۱۳۲۰ در قریه عسقلان ولایت کندز متولد شد، بعد از فرا گرفتن علوم دینی در مدارس شروع به تبلیغ اسلامی نمود، موصوف با روی‌کار آمدن مزدوران روسی شروع به جهاد مسلحانه نمود و بالآخره بتاریخ ۱۳۶۰-۱۲-۲۱ بعد از انهدام یک تانک در امام صاحب بدرجه شهادت رسید.

شهید چنارخان فرزند محمد حسن



مسکونه قریه کره تاز ولسوالی کاپیسا ولایت پروان مجاهد فدا کاری بود که در راه اسلام از هیچگونه فدا کاری دریغ نمی ورزید، موصوف در جنگ های زیادی اشتراک ورزید بالآخره در وقت حمله بالای پوسته میر مسجدی بعد از کشتن چند نفر از وطن فروشان بتاریخ ۱۳۵۹-۱-۱ بدرجه شهادت رسید.



شهید تاج محمد چی فرعی نوم یی محمد اشرف و په ۱۳۳۵ ه ش کال د ارزگان ولایت د چوری ولسوالی په عشزایی کلی کی په یوه با دیانته کورنی کی زیږیدلی لومړنی زده کړه یی د چوری ولسوالی په منځنی ښوونځی کی

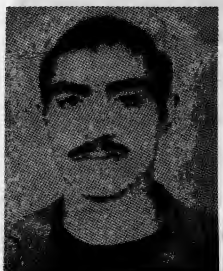
او نوره زده کړه یې د بغلان ولایت د زراعت په لیسه‌کې بشپړه کړه او د کابل پوهنتون د زراعت په پوهنځی کې شامل شو د ترهکی د ملحد رژیم د منځ ته راتلو سره سم پاکستان ته مهاجر شو په ۱۳۵۹ کال د مسلح جهاد لپاره ارزګان ته ولاړ او هلته د هغه ولایت د مرکزی جبهې د نظامی مسئول په حیث مقرر شو نومورې مجاهد د همدی کال د جدی د میاشتی په اوومه نیټه په‌ترینکوټ کې د روسی غلامانو د یوی ډلی له خوا شهید شو.

(انا لله و انا الیه راجعون)



شهید عبدالقیوم خان د نظر الدین خان زوی په قوم مسعود په ۱۳۰۵هـ کال د وردګو د چک ولسوالی د بیک سمن په کلی کې زیږیدلی د پلار له مرګ وروسته تی د مسعودو د قوم مشری په غاړه درلوده د داؤد د رژیم له خوا د اسلام په تور محبس ته ولیږل شو د څاور میاشتی حبس وروسته د ترهکی د ملحد رژیم په وخت کې له بنده خلاص شو اود بیک سمن د علاقی د مجاهدینو له خوا مشرو تاکل شو په ۱۳۵۸ کې یې په دوو جګړو کې برخه واخیسته په لومړۍ جګړه کې په پوره میړانه و جنګید او په دوهمه جګړه کې نومورې مجاهد زخمی شو په ۱۳۵۹ کال روسانود بیک سمن کلی تر سختی محاصری لاندی را ووست په دی نښته کې یې ۲۰ تنه روسان ووژل او تر هغې و جنګیده چې شهید شو.

شهید محمد ظریف د محمد علم زوی په «طالب یار» مشوړو د ارزګان ولایت د ګزاب د ولسوالی د اخکز و په کلی کې په ۱۳۳۷ کال زیږیدلی، لومړنی زده کړه یې په نومورۍ ځای کې سرته رسولی او په ۱۳۵۴ کال



د رحمن بابا په لیسه کښې شامل شو په ۱۳۵۷ کال یې دکمونستانو د قدرت ته رسیدو سره سم خپل تحصیل پریښود او هجرت یې وکړ او په ۱۳۵۸ کال یې په مسلح جهاد لاس پورې کړ ده د خپلو نورو همسنګرو وروڼو غوندې له شهادت سره خاصه مینه لرله ترڅو چې په ۱۳۶۰ کال د روژی په مبارکه میاشت کې په یوه وسله واله نښته‌کې د روسی ګوډا ګیانو له خوا شهید شو.

(انا لله و انا الیه راجعون)



شهید محمد یعقوب یکی ازمجاهدین ورزیده اولسوالی بلخ بود، موصوف در یک زد و خورد شدید باروسها در قریه مرگین پته بلخ به شهادت رسید.



شهید عبدالخالق ولد عبدالقادر باشنده اولسوالی چهار دره کندز میباشد موصوف تعلیمات ابتدائی دینی را در مدارس محل خود

پایان رساند ، با بوجود آمدن رژیم روس در افغانستان شروع به جهاد مسلحانه نمود و چندین میل سلاح های مختلف النوع را ازدشمن به غنیمت گرفت بالآخره در سال ۱۳۶۱ بدرجه شهادت رسید .



محمد مقیم ولد محمد الله از قریه سیغانچی ولایت سمنگان که بتاریخ ۵-۱-۱۳۶۱ بدرجه شهادت رسید .



شهید عبدالملک ولد خالق قل در سال ۱۳٤۰ در اولسوالی حضرت امام متولد شد ، موصوف بعد از فرار گرفتن علوم دینی در زمان آمدن روسها دست بجهاد مسلحانه زد بالآخره بتاریخ ۱۱-۱۲-۱۳٦۰ بدرجه رفیع شهادت نایل شد .



جلال الدین شهید فرزند سلطان محمد باشنده قریه سنگان ولسوالی فرخار ولایت تخار از جمله مجاهدین با شهامتی بود که مدت سه سال در پهلوی برادران مجاهدش علیه ملحدین رزمید ، بالآخره در یک برخورد با روسها بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید شمس الدین د عمل الدین زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د کلی او سیدونکی د اسلام د لیاری یو تکړه اوسرتیری مجاهد و دغه مجاهد د زیاتو جنګ عملیاتو اجراء کولونه وروسته په ۲۵-۲-۱۳٦۱ نیټه د خپل مجاهد ورور علی اکبر سرد یوځای د حسن خیلو په کلی کی د دښمن له خوا شهید کړای شو .

(انا لله و انا الیه راجعون)



شهید نجیب الله د نصرالله زوی د کندهار ولایت د پنډ ولسوالی د کشانی په کلی کی زیږیدلی کسب یی بزګری وه او د کمونستانو د قدرت ته رسیدونه وروسته یی په وسله وال جهاد لاس پوری کړ نوموړی په ۳-۵-۱۳٦۱ نیټه د ده خواجه په سیمه کی د یوی نښتی په ترڅ کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید یار محمد د کریم داد زوی د کندهار ولایت د پنډ د ولسوالی د کشانی کلی اوسیدونکی د اسلام دلیاری د زړورو مجاهدینو

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند توانا و دادگر

با حمد و ثنای بیکران ذات حکیم و متعال الهی و با درود بی پایان بر امام مجاهدین و خاتم پیامبران و باسلام بر روان پاک شهیدان ارجمند و گرامی ما که با ریختن خون های گلگون خویش راه انقلاب را روشنتر و میدان کار زار را گسترده تر ساخته و در مسیر پرخم و پیچ جهاد مسلحانه مردم مجاهد و پیا خاسته ما دلیل راه مجاهدین دلیر و راهیان جان بر کف و غرور آفرین این قیام عظیم و شکوهمند اسلامی گردیدند.

جای بس شکران و افتخار است که همزمان با حرکت ممربار و پیگیر میمنت استحکام پایه های اتحاد و فراگیری همه جانبهٔ ان که روز به روز جهت وحدت و بهم فشردگی صفوف و تحکیم اساسات اخوت و صمیمیت اسلامی در فکر و عمل هر مسلمان آگاه و بیدار جامعه ما بسط و توسعهٔ روز افزون می‌یابد و همگام با روند تکامل انقلاب و بیشتر شدن توان کوبندگی رزمندگان جانباز اسلام که بر وحشت و سراسیمگی جنون آمیز دشمن می افزاید، و در بخش فرهنگی انقلاب ستاره دیگری تابیدن گرفت تا قسمتی از بار سنگین ادای رسالت فکری و فرهنگی ما را بدوش کشیده و بخصوص از زندگی و کار نامه های افتخار افرین شهیدان جاوید و زنده یاد سرزمین دلاوران اسلام آیینه داری نماید.

با در نظر داشت این حقیقت که تمام انقلابات و حوادث بزرگ و تاریخی نقطه های عطف و مراحل برا زنده و نمایان سیر تاریخی جوامع بشمار میروند فلهذا غیر ممکن است که در مطالعهٔ یک انقلاب، گذشته، جریان و آینده آن مورد بحث قرار نگیرد و چهره‌های تاریخ ساز آن بخصوص قربانیان و نام آوران قهرمانی که در تکوین و تکامل آن نقش اساسی داشته اند فراموش گردند و اگر چنین شود بزرگترین جفا و خیانتی خواهد بود که با تاریخ آن انقلاب صورت میگیرد.

انقلاب اسلامی مردم مجاهد و سلحشور ما که نه تنها حادثه مهم تاریخ چندین هزار ساله سر زمین ما بلکه از بزرگترین واقعات تاریخ بشری محسوب میگردد از اهمیت بسزای برخوردار بوده و و سورخینی که در زمینهٔ تاریخ کشور ما به تحقیق و تتبع مبادرت میورزند سال ها وقت لازم دارند تا در مورد این انقلاب تتبع و نگارش نمایند.

یاد نامه شهیدان و بیان زندگی نامه شهیدان از چند جهت برای ما حایز اهمیت می باشد:

اول اینکه نظر به مقام و مرتبت عالی شهدا که به تعبیر قرآن زندگان جاوید اند و در نزد خدا روزی داده می شوند و در ایات و احادیث متبرکه به تکرار از مقام و منزلت شهیدان سخن

بقیه در صفحه (۳۹)

څخه و د کمونستی قواؤ د له منځه وړلو لپاره یې د مین په ښخولو کی زیاته برخه اخیسته ترڅو چې پـ پای کی د یوه مین د ښخولو په وخت کی په شهادت ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید علی گل د نور محمد زوی د پکتیا ولایت دگردیز د علی‌الدین خیلو د تبر د لیوان د کلی او سیدونکی و د اسلام د لیاری یو تکړه مجاهد او د ملحد دولت پر ضدی په مختلفو محاذونو کی برخه اخیستی په ۱۳۵۸-٤-۱۰ نیټه د هغه ولایت د سید کرم په ولسوالی کی په یوه نښته کی په شهادت ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید نعمت الله (مراد) د سید خالق زوی د پکتیا ولایت د څاځیو د حسن خیلو د کلی او سیدونکی چې په ۱۳۳٦هـ ش کال په یوه دینداره کورنی کی زیږیدلی دی نومورې په ۱۳٤٥ کال د احمد خیلو په منځنی ښوونځی کی شامل او په ۱۳٥٤ کال په اعلی درجه فارغ شو او د کابل په تخنیکوم کی شامل شو ده له وړکتوب څخه د دینی علومو له زده کړی سره مینه لرله او د کمونستانو سره یې د تعلیم په وخت کی کلک برخوردونه کړی و چې په دغه بناء یې د تره کی د ملحد رژیم به را منځ ته کیدو سره خپل تحصیل په څوار لسم تولگ کی پریښود څاځیو ته راغی او په پوره میړانه ، صداقت او ایمانداری یې مسلحانه جهاد پرمخ بوت د سپکو او درنو وسلو په استعمال کی ډیر ماهر او د مجاهدو گروپونو په رهبری او هر راز جنگی عملیاتو کی بریالی و نومورې مجاهد به هر وخت څپلو همسنگرو وروڼو ته د متانت ، شجاعت ، اخلاص او فداکاری درس ورکاوه دغه سرتیری مجاهد د روان کال د حمل د میاشتی په وروستیو ورځو کی په شهادت ورسید روح دی شاد او یاد دی تل وی .



شهید تاج محمد «شهادتیار» د صالح محمد زوی د کندهار ولایت دارغنداب ولسوالی د پیر پایمال کلی او سیدونکی و په ٦-۲-۱۳۵۸ نیټه یې په مقدس وسله وال جهاد کی برخه واخیسته او په ۹-٤-۱۳٦۱ نیټه د هغه ولایت د چونی په سیمه کی په شهادت ورسید .



(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید محمد کاظم ولد محمد موسی مسکونه قریه قلعچه سوخته پروان که بتاریخ ۱۵-۲-۱۳٦۰ به شهادت رسید .



شهید حاجی سلطان ناصری د شیر جان زوی د زابل ولایت اوسیدونکی د فدا کاره مجاهدینو له جملی څخه و او په دی لاره کی بی ډیری قربانی ورکړی نوموړی په ۱۳٦۰ کال په شهادت ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید محمد حسن ولد حاجی محمد حنیف یکی از مجاهدین با شهامت ولایت کندز بود که بعد از دو سال جهاد مسلحانه وکشتن چندین نفر خلقی و پرچمی وطن فروش بالآخره بتاریخ ۱۹-۱۰-۱۳٦۰ بدرجه رفیع شهادت نایل شد .



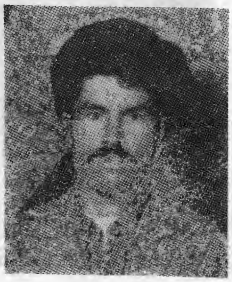
شهید میرا جان ولد عبدالله خان در قریه مشوانی سفلی اولسوالی میر بچه کوټ ولایت کابل متولد گردید موصوف بعد از هجوم روس ها به کشور شروع بجهاد مسلحانه نمود و در برج میزان ۱۳٦۰ بدرجه شهادت رسید .



شهید راز محمد د سید محمد زوی په قوم صالح خیل د پکتیا ولایت دزرمت ولسوالی اوسیدونکی د اسلام د لاری یو زړور مجاهدو دغه مجاهد له جهاد او شهادت سره خاصه مینه لرله د ۱۳٦۱ کال د ثور په میاشت کی د نوموړی ولسوالی د شاهیکوټ په سیمه کی د یوی نښتی په ترڅ کی شهید شو (انا لله وانا الیه راجعون)

شهید گل ولی د عبدالعلی زوی د وردګو د سید آباد ولسوالی

دانخی د هوس خیلو اوسیدونکیو دی مجاهد د افغانستان په وسله وال جهاد کی له او له ګډون وکړ او په دی کار کی له خپلو



همسنګرانو څخه هر وخت مخکی و تر څو چی له یوه کال جهاد نه وروسته په ۱۳٥۹-٥-۱٤ نیټه د شهادت عالی مقام ته ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



قاری امیدخان شهید فرزند حاجی میرزا خان مسکونه بایان علیا مرکز ولایت پروان مجاهد رزمنده بی بود که در اکثر جنگ ها علیه کفار اشتراک داشت بالآخره

در وقت محاصره سرتاسری ولایت پروان بعد از مقاومت دلیرانه بتاریخ ۷-۱۱-۱۳۶۰ بدرجه رفیع شهادت رسید .



مرحوم شیر محمد ولد سید محمد، دریم ساتنمن مسکونـه قـریه عبدالرحیم ربی یکتن از مسلمانان راستین و مجاهد بود که در ماه اسد ۱۳۶۰ در حصه قریه غندان بلخ به شهادت رسید .



شهید محمد طاهر فرزند محمد زمان دریور در سال ۱۳۳۵ در قریه گداره استالف متولد گردید ، تحصیلات خود را الی صنف ششم ادامه داد ، موصوف در یک حمله بالای غلامان حلقه بگوش روس در مرکز اولسوالی استالف به اثر اصابت مرمی جام شهادت نوشید .



شهید گل محمد ولد عبدالله یکی از مجاهـدین غیور منطقه گل تیپه ولایت کندز بود که بتاریخ ۱۲-۱-۱۳۶۱ در شهر کندز بدرجه شهادت رسید .



شهید ملا احمد زی ناصری د شهید حاجی سلطان ناصری زوی د زابل ولایت اوسیدونکی د خپل پلار په شان یو فدا کار او سرتیری مجاهدو په ۱-۴-۱۳۶۱ نیټه د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

شهید شیر مرجان د حاجی حبیب جان زوی د پکتیا ولایت د خوست دلوبی ولسوالی د علیشیر



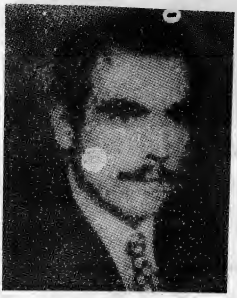
د علاقه داری اوسیدونکی په قوم تریزی او په ۱۳۳۸ کال د شعبی په کلی کی زیږیدلی د اسلام د لیاری یو سر تیری مجاهدو په ۹-۴-۱۳۶۱ نیټه د تریزیو په سیمه کی د اسلام د دښمنانو له خوا په شهادت ورسید .



شهید جانگی د قاسم زوی د پکتیا ولایت دځاځیو د حسن‌خیلو د کلی او سیدونکی د اسلام د لیاری یو زړور او مخلص مجاهدو د ملحد دولت پر ضد فعالیتونوکی یی په پوره ایمانداری سره برخه اخیستی بالآخره په ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه د حسن خیلو په سیمه کی د ماجد رژیم د قواؤ له خوا شهید کړ شو . (انا لله وانا الیه راجعون)



شهید عبدالفتاح فرزند محمد حسین در سال ۱۳۲۶ ه . ش در قریه قمچاق اولسوالی غور بند ولایت پروان متولد گردید و تحصیلات خود را بدرجه عالی بپایان رساند و بحیث مدیر تصفیه در ریاست حفظ و مراقبت فوائد عامه مقرر گردید ، موصوف در ماه ثور ۵۷ بپاکستان هجرت نمود بعد از اندک مدت دوباره بغرض تنظیم برادران عازم ولایت پروان گردید ، بالاخره در ماه سنبله ۱۳۶۰ از طرف عمال روسی دستگیر و به شهادت رسید .



شهید محمد عارف پسر میرزا ولی محمد در سال ۱۳۳٤ در قریه دو آبی اولسوالی نهرین ولات بغلان متولد گردید موصوف الی صنف دوازدهم تعلیمات خود را در لیسه نهرین بپایان رساند ، نامبرده در سال ۱۳۵٦ به صفت مامور در ریاست کانسرو ایفای وظیفه نمود ، در سال ۱۳۵۷ به عسکری برده شد در سال ۱۳۵۸ از عسکری ترخیص و با برادران مجاهدش پیوست بالاخره در ماه سنبله ۱۳٦۰ در وقت دستگیری یکی از وطن فروشان کارملی بدرجه رفیع شهادت نایل شد .



عبدالهاشم فرزند محمد قربان در قریه قره خانی ولسوالی چهاردره کندز متوله گردید با بوجود آمدن رژیم ملحد روسی در افغانستان شروع بجهاد نمود و بتاریخ ۱۳٦۰-۱۰-۲۵ بدرجه شهادت رسید .

شهید سید رحمت الله پسر سید عصمت الله باشنده آقتپه اولسوالی قلعه زال در سال ۱۳۱۵ متولد گردید ، موصوف بعد از کودتای ثور محبوس گردید ، در وقت



عفو مزورانه ببرک رها گردید بعد از چندی بنابر فعالیت های ضد کمونستی اش دوباره از طرف کمونست ها محاصره و بهمراه برادر خوردش سید حیات الله و پسر عمه اش سید عبدالرحمن دستگیر و در منطقه آقتپه به شهادت رسیدند .



شهید حیات الله فرزند امان در سال ۱۳۳٤ در قریه غندک علاقه‌داری شیبر متولد گردید بعد از دو سال جهاد مسلحانه به اثر بمبارد مان هوائی به شهادت رسید .

شهید عیدا خان د عجب خان زوی د پکتیا ولایت د خاڅیو د



حسن خیلو د کلی او سیدونکی چی په ۱۳۳٤ه ش کال زیږیدلی او په ۱۳٤۲ه ش کال احمد خیلو په منځی ښوونځی کی شامل شو په ۱۳۵۳ه ش کال له نومورې ښوونځی څخه فارغ او د کابل د د پولیسو په اکاډیمی کی شامل او له یو کال او د ریو میاشتو وروسته یی د کابل په او له قطعه کی د دریم څارن په حیث وظیفه په غاړه واخیسته د تره‌کی د ملحد رژیم په وخت کی یی د مجاهدینو سره د قطعی ارتباطی وظیفه په ښه توګه اجراء کړه د همدی ارتباط د افشاء کیدو په اثر له هغه ځای څخه د فراه ولایت ته تبدیل شو له هغه وروسته ده خپله وظیفه پریښو ده او د ځاځیو د حسن خیلو د جبهی له مؤسنو اوفدا کاره مجاهدینو سره یو ځای شو او په میرانه سره یی وسله وال جهاد ته ادامه ورکړه ترڅو په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د ملحد رژیم سره د یوی جګړی په ترڅ کی وروسته له هغی چی مرمی ور سره تماسی شوی خپل لوړ ارمان (شهادت) ته ورسید.

شهید مندیه د عبدالرحیم ګل زوی د پکتیا ولایت د ځاځیو د حسن خیلو د جبهی یو ډیر مخلص اوفدا کارمجاهد ؤ نومورې مجاهد د ملحد دولت پرضد په مختلفومحاذونو کی برخه اخیستی بالاخره په



۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د ملحد رژیم د قواؤ او د نومورې جبهی د سرتیرو مجاهدینو د نښتی په‌ترڅ‌کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

شهید حلیم خان د نیازمین زوی د پکتیا ولایت د ځاځیو د حسن خیلو او سیدونکی چی د اسلام د لیاری یو فدا کار مجاهد ؤ ده په افغانستان کی د کمونیستی کودتا د سرته رسیدونه وروسته وسله وال جهاد پیل کړی او په دی لاره کی له خپل هرڅه تیر شوی دی ترڅو په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی شهید شو.



شهید نورمحمد د سید محمد زوی دپکتیا ولایت دځاځیو دحسن‌خیلو د جبهی یو تکړه او زړور مجاهد ؤ ده په افغانستان کی د روان وسله وال جهاد په شروع کی وسله په لاس اخیستی او په پوره بریالیتوب سره جنګیدلی دی خو په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د حسن خیلو په سیمه کی شهادت لوړ مقام ته ورسید.



شهید نصرالله فرزند مولوی محمد اسلم طالب العلمی بود که درهمه اوقات پدر بزرگوارش را همراهی میکرد ، موصوف بعد از هجرت از پاکستان که روانه سنگر های جهاد بودند در حصه قریه اول خیل ولایت میدان در

برخورد با قوای هوای و زمینی ملحدین در پهلوی پدرش بدرجه عالی شهادت رسید .



امیر محمد شهید مشهور به صادق فرزند شاه محمد مسکونهٔ قلعه شاهی ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر یکی از مجاهدین با شهامتی بود که در ولایت پکتیا و لوگر جهاد مسلحانه نموده و از خود افتخاراتی بجا گذاشت ، بالآخره موصوف در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۱ بدرجه عالی شهادت نایل شد .



شهید مولوی محمد اسلم فرزند محمد حکیم از قریه فرغا نبیل خوست و فرنگ ولایت بغلان بود و باوجود آمدن رژیم ملحد ترهکی دست به جهاد مسلحانه زد، بعد از باز گشت از مهاجرت بسوی وطن در قریه اول خیل ولایت میدان در برخورد باقوای ملحد بدرجه عالی شهادت نایل شد .

شهید مولوی ولی جان د ملا جان محمد زوی د هلمند ولایت د کجکی ولسوالی د مزار کلی او سیدونکی ۴۸ کاله پخوا په یوه متدینه کورنی کی زیږیدلی دی



نوموړی خپل اسلامی تعلیمات په هلمند ، کندهار ، زابل او بالاخره په اکوړه خټک مدرسوکی پای ته ورسول له هغه وروسه د هلمند د بابا چی په سیمه کی په تدریس بوخت وُ چی د نړی خور کمونیزم منگولی د افغانستان د نجیب‌ولس‌په وینوسری شوی نوموړی د خپل اسلامی رسالت د تر سره کولو په منظور په هر راز ژبنی او وسله وال‌جهاد لاسی پوری کړ هغه وُ چی د ولایتی تنظیم د قضاء رئیس او مبلغ په توګه و تاکل شو بر سیره پر هغه نوموړی په ډیرو محاذونوکی ونډه اخیستی تر دی چی په دی لاره کی یی دا وړیدلو قوه له لاسه ورکړه او کوټ شو بالآخره په ۱۳۶۱-۱-۳ نیټه د ملحد دښمن د سختو بمبارید .په نتیجه کی په شهادت ورسید .

شهید جنت گل د انځر گل زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو یو مخلص او مبړنی مجاهد وُ د روان اسلامی جهاد له شروع څخه را په دی خوا یی له هیڅ راز قربانی څخه ځان نه دی دریغ کړی ترڅو په ۱۳۶۱-۱-۲۵ نیټه



د ۲۵ کالو په عمر په یوه نښته کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید .



ایگمبردی ولد بالته از قریه

سیغانچی علاقه‌داری حضرت سلطان ولایت سمنگان بتاریخ ۵-۱-۱۳۶۱ بدرجه شهادت رسید.



ولی محمد ولد بیک محمد از قریه سیغانچی علاقه‌داری حضرت سلطان ولایت سمنگان بعد از مدت چندی جهاد بتاریخ ۱۵-۱-۱۳۶۱ بدرجه عالی شهادت نایل شد.



رستم شهید فرزند محمد ایوب در اولسوالی چهار دره ولایت کندز متوله گردید، مجاهد موصوف در جنگ های زیادی علیه قوای کفر جنگید بالاخره بتاریخ ۱۴-۱۱-۱۳۶۰ بدرجه شهادت نایل شد.

شهید رحمت الله د عبدالرزاق



زوی دکندهار ولایت د خاکریزپه ولسوالی کی په ۱۳٤۰ ش کال ریږیدلی نوموړی مجاهد د کندهار په میخانیکی ښوونځی کی ترلسم ټولګی پوری تحصیل ته دوام ورکړ خو کله چی په ۱۳۵۸ کال په کندهار کی د اسلامی مجاهدینو ګروپونه د ملحد رژیم په ضد ترتیب شوه نوده هم خپل تحصیل پریښود او په وسله وال جهاد پی لاس پوری کړ او په پوره میړانه او ایمانداری وجنګید ترڅوچی په ۲۲-۳-۱۳۶۱ نیټه د شنبی په ورځ د یرغلګرو روسانو سره د یوی نښتی په ترڅ کی په شهادت ورسید.



شهید عالم د حاجی شینکی زوی د پکتیا ولایت دځاځیو د

حسن خیلو او سید و نکی د اسلام د لیاری د میړنو اوزړورو مجاهدینو څخه ؤد ی مجاهد د ملحد دولت پر ضد په مختلفو محاذونو کی په پوره میړانه او اخلاص برخه اخیستی بالاخره په ۵-۱-۱۳۶۱ نیټه په نو سوړی کلی کی دیوی نښتی په ترڅ کی شهید شو.



شهید سید رئیس د ګل خان زوی د پکتیا د ځاځیو د حسن خیلو د جبهی یو مخلص اوسرتیری مجاهدو د ترهکی د ملحد رژیم د رامنځ ته کیدونه وروسته پی وسله وال جهاد پیل کړی او بالاخره په ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه پی د شهادت لوړه درجه تر لاسه کړه.



شهید نعمت الله فرزند میرزا محمد نشان در قریه لاله خیل

مربوط مرکز بامیان در سال ۱۳٤۰ تولد گردید موصوف با بوجود آمدن رژیم ملحد ترهکی شروع بجهاد نمود بالاخره بتاریخ ۳۱ ثور سال ۱۳٦۱ بدرجه شهادت رسید .



شهید سیاه پای فرزند قره بای در یک فامیل متدین تولد گردید باوجود آمدن ژریم کمونستی شروع بجهاد مسلحانه نمود و در یوم ۱٤-۱۱-۱۳٦۰ بدرجه شهادت رسید .



شهید آکه ملا ولد دلبر شاه مسکونه تتمدره ولایت پروان که در سال ۱۳٦۰ بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید عبدالمنان د نیاز محمد زوی د کندز ولایت د چهار زولی ولسوالی د جدران په کلی کی په ۱۳٤۱ش کال زیږید لی دی ده خپل لومړنی زده کړه په په دینی مدرسوکی سر ته و رسوله کله چی د ملحد رژیم توره تیاره په افغانستان کی خپره شوه ده هم په وسله وال جهاد لاس پوری کړ نومورې په مختلفو جګړو کی برخه واخیسته په پای کی په ۱۰-۱۲-۱۳٦۰ نیټه د عازم شور په سیمه کی له زیات مقاومت ډولو وروسته په یوه نښته کی شهید شو .



شهید زوړ د میرزا خان زوی د پکتیا ولایت د خاڅیو د حسن خیلو د جبهی یوسرتیری اوغیرتی مجاهد ؤ ده د خپل ایمانی سپیڅلی جذبی له مخی د دهری رژیم پرضد جهاد ته ادامه ورکړه ترڅو چی په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

شهید زرخان د ملتان زوی د پکتیا ولایت د حسن خیلو د جبهی یو فداکار او سرتیری



مجاهد ؤ ده په افغانستان کی د ملحد دولت د منځ ته راتلو سره سم په وسله وال جهاد لاس پوری کړ له زیات جهاد کولو نه وروسته په ۲۵-۱-۱۳٦۱ نیټه د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی شهید شو .



صالح محمد فرزند مکرم مسکونه کاروانسرای ولایت سمنگان که

بعد از مدت سه سال جهاد بتاریخ ۱۳۶۰-۱۰-۱۵ به درجه عالی شهادت رسید.



شهید حمد الله ولد شهید حبیب الله در قریه شوانی سفلی ولسوالی میر بچه کوت ولایت کابل متولد گردید موصوف تحصیلات خود را الی ختم صنف دوازدهم ادامه داد بعد از ختم تحصیل بابرادران مجاهدش پیوست، اخیراً در ۲۷ ماه مبارک رمضان ۱۳۶۰ بمقام والای شهادت رسید.



شهید محمد گل د همیشه گل زوی د پکتیا ولایت د خوست د لویی ولسوالی د صبر یو اوسیدونکی چی د ملحد رژیم د را منځ ته کیدو څخه د ژوند تر پایه‌پیره‌میرانه‌اوشهامت‌وجنگیده مخکی له جهاده د دینی علومو په زده کړه بوخت و او کله چی مسلح‌جهاد پیل شو د دینی علومو زده کړه یی پریښوده حُکه د جهاد په دی مرحله کی یی د علم تر زده کړه عملی جهاد ته ترجیح ورکوله او په رشتیا چی، په دی لاره کی یی نه ستومانه کیدونکی هلی حُلی کړیدی کله چی محمد گل په ۱۳۶۱-۲-۱ نیټه د خپلو ملگرو سره د خوست د علیشیر په کلی کی د ملحد رژیم له ملیشی سره مخامخ شو هغه وه چی د سختی نښتی به‌نتیجه کی په شهادت ورسید روح دی خوښ وی.

(انا لله و انا الیه راجعون)



شهید نور حسن د غلام حسن زوی د ننگرهار ولایت د غلجیو د حصارک اوسیدونکی و دغه سرتیری مجاهد د ۱۳۶۰ ش کال د میزان په میاشت کی د یوی نښتی په ترڅ کی شهید شو.

شهید با جنگی د بادشاه زوی



پکتیا ولایت د څاځیو د حسن خیلو د جبهی یو وفادار او مخلص مجاهد ؤ نومورې د اوسنی روان اسلامی جهاد په اول کښی په وسله وال جهاد لاس پورې کړی او په هر محاذ کی یی د میرانی او فدا کاری درس خپلو همسنگرو ته پریښی دی څو په پای کی په ۱۳۶۱-۱-۲۵ نیټه په یوه خونړی نښته کی شهید شو.



شهید گل رحمن د ولی زوی د پکتیا ولایت د څاځیو د خوا ـ زیخیلو د کلی اوسیدونکی و چی د ملحد دولت پر ضد یی په مختلفو محاذونو کی وسله وال جهاد کړی نومورې مجاهد په ۱۳۶۱-۳-۱۶ نیټه د څاځیو په ستیانومی څای کی د ملحد رژیم

د مزدورانو له خوا د یوه جوړ شوی شوم پلان په ترڅ کی په شهادت ورسید .



شهید ظاهر خان د کنجک زوی د پکتیا ولایت د څمکینو د ولسوالی د جنګی کلی او سیدونکی یو مخلص او سرتیری مجاهد ؤ نوموړی په هغه خونړی جګړه کی چی د روژی په شلم، کال ۱۳۶۱ د شهر نو اتلسم غنډ ته نژدی و شوه د مین‌ضد پرسونل‌په وسیله شهید شو .



شهید محمد اکبر د محمد عظیم زوی د لغمان ولایت د قرغیو د ولسوالی اوسیدونکی ودی په د وو لسم ټولګی کی په زده کړه بوخت و چی د ثور کرغیړنه کودتا تر سره شوه نو ده هم خپل تحصیل پریښود او په ۱۳۵۸ کال یی وسله وال جهاد پیل کړ .او د وه کاله یی په مسلح جهاد کی برخه واخسته ترڅو په ۳-۵-۱۳۶۰ نیټه د کوچنی اختر په ورځ د شهادت د لوړی د رجی په ګټلو بریالی شو .

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید حلیم خان د نیازمین زوی د پکتیا ولایت د څاځیو د حسن خیلو او سیدونکی چی د اسلام د



لیاری یو فدا کار مجاهد ؤ ده په افغانستان کی د کمونیستی کودتا د سرته رسیدونه وروسته وسله وال جهاد پیل کړی او په دی لاره کی له خپل هرڅه تیر شوی دی ترڅو په ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی شهید شو .

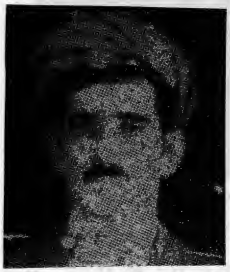
شهید ظفر خان د حاجی حیدر خان زوی دا مجاهد او پیاوړی ځوان د ملاخدانو د منحوس او غیر انسانی رژیم را منځ ته کیدو سره سم مجاهدینو سره یو ځای شو کله چی په ۱-۲-۱۳۶۱هـ کی په



نوره شپه کی د لوګر ولایت د آچکن کلی د متجاوزو روسانو تر سختی حملی لاندی ونیول شو نو ظفر خان ور سره په ډیرۀ سپرانه و جنګید او د دوو نفرو روسانو له وژلو وروسته دی هم د یوه لاسی بم په ذریعه شهید شو .

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید معلم عبدالصادق دحاجی در محمد زوی د کندهار ولایت د پنجوایی د ولسوالی د ریګواد قرق



اوسیدونکی د اسلامی جهاد یو سرتیری نو میالی مجاهد و نوموړی په ۱-۲-۱۳۵۷ نیټه د کندهار ولایت د هرات دروازی په سیمه کی د یوی نښتی په ترڅ کی شهید شو .

(انا لله وانا الیه راجعون)

زمونږ سپېڅلي جهاد په اوږدوکې علمي نیمګړتیاوې

د اسلام پیل د پوهې، پوهولو، او لوست له کلمو څخه شوی دی ، چې له شروع څخه د پڑه کیدلو تر مرحلې ئې خپل پیروان د علم او پوهې په لور را بللی دی .

لمړی ځل لمړی وحیه په (اقرأ) سره شروع شوه ، او بیا کله په (افلاتتفکرون)(افلاتعقلون) (افلاتنظرون) (افلایتدبرون) او داسې نورو ورته کلمو سره مسلمانان ددرک او علمي احساس په لور کش کول شوی دی ، آن تر دی چې د خدای پیغمبر(ص) هغه قرآن لوستونکی چې قرآن کریم بې لدی چې د قرآن کریم د لوستلو اداب ئې زده وی ، او بې لدی چې په قرآني طرز او لهجه ئې ووائی په‌داسې بدو الفاظو سره یاد کړل : (رب قارئ یقرأ القرآن والقرآن یلعنه) ډیر ځله ځینې خلګ قرآن کریم تلاوت کوی ، خو قرآن کریم پرې لعنت وائی .

د رسول اکرم(ص) د همدغو تعلیماتو نتیجه وه چې صحابه کرامو د قرآن کریم یو سورة په ځو کلونو کښې یادولو ، دا ځکه چې هغوی هر سورة له ورسره تولو حکمونو او ور پورې تړلو شوو مسألو په خپل ذهن کښې ځای کولو .

له همدی کیله که څه هم د رسول اکرم(ص) مبارک اصحاب بې لیکه اولوسته خلک وو ، د علم ، پوهې او ادب سره ئې هومره زیاته آشنائی نه درلوده ، زیاترو هغه وخت اسلام قبول کړی وو چې د ژوند زیاته برخه ئې په ناپو هی ، او له علم او ادب څخه لرې تیره کړی وه ، خو چې مسلمانان شول اسلامي تعلیماتو ئې په ذهن کښې ځای ونیولو ، او اسلامي اعمال ئې ورځنې عملونه وګرځیدل او هغه خورا پوه ، او مثقف خلک تری جوړ شول چې اوسنی نړی هم په هغه درجه‌رسیدلی‌خلک‌نه‌لری ، او نه به یې پیدا کړای شی .

دا چې زمونږ اوسنی ټولنه ولی دومره را ټیټه او بې علمه ټولنه ده؟ ولی‌له اسلامي لارښوونو څخه دومره لرې پاتې شوی ؟ سره لدی چې دلته د اسلام یو زرو ځو سوه کلونه تیر شول ټول خلک مسلمانان ، او پر خپل اسلام فخر کوی ؟

ددی‌سوال‌ځواب خورا اوږد دبحث اوپورمخیږنه‌غواړی‌چی‌دوخت، پوره مراجعو ، او معلوماتو د نشتوالی او کموالی له کبله زما په توان کښې نشته خو د ځینو مهمو عواملو لنډیز پــه لانــدی ډول وړاندی کیږی .

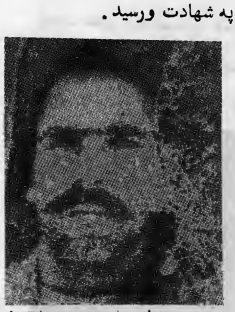
(اول) عوامل او اسباب :

(الف) دینی علما له واک څخه ایستل

هغه وړځ د اسلام په تاریخ



شهید جندول د خیال میر زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د جبهی یو مخلص او زړور مجاهد ؤ په افغانستان کی د ملحد دولت د جوړیدونه وروسته سمد لاسه وسله وال جهاد ته حاضر شو ترڅو په ۲۵-۱-۱۳۶۱ نیټه د یوی خونړی نښتی په ترڅ کی په شهادت ورسید .



شهید نظر علی د عبید الله زوی د هلمند ولایت دبابا جی ولسوالی د چار باغ کلی اوسیدونکی د اسلام د لیاری یو تکړه او زړور مجاهدو په ۱۳۵۸ کال یی د ملحد رژیم پر ضد وسله وال جهاد پیل کړ او په ۸-۱۰-۱۳۶۰ نیټه د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید حاجی جان محمد د گل علم زوی د لوگر ولایت د دادو خیلو په یوه متدینه کورنی کی په ۱۳۰۲هش کال زیږیدلی دی دغه په ظاهر سپین ږیری خو په عزم او اراده کی ځوان شهید له خپلو د وو ځوانـو زامنو سره پـه ۱۳۵۷هش کال په عملی وسله وال جهاد لاس پوری کړ او په پوره میړانه او متانت د جهاد او شهادت په ډگر کی و جنگید تر څو په ۱۸-۱۲-۱۳۶۰ نیټه په یوه خونړی جگړه کی په شهادت ورسید روح دی شاد او لاره دی تل وی .



ضیاء الدین شهید فرزند جلال باشد اولسوالی حضرت امام‌صاحب کندز در یک خانواده متدین متوله و بعد از اشغال نظامی روسها شروع بجهاد مسلحانه نمود و به تعداد دهها تانک و موتر دشمن را به آتش کشید بالاخره بتاریخ ۹-۵-۱۳۶۰ دریک برخورد باقوای ملحد بدرجه عالی شهادت رسد .



شهید عبداللطیف ولد نور محمد مسکونه مرکز شهر چاریکار یک مجاهد مخلص بود که بتاریخ ۱۵-۱۱-۱۳۶۰ بدرجه عالی شهادت نایل شد .



محمد شهید فرزند امام نظر شهید والسوالی چهار دره ولایت کندز متولد گردید . بابوجود آمدن رژیم کفر دست به جهاد زد و در ۱۴-۱۱-۱۳۶۰ بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید عبدالحمید فرزند محمدرحیم در یک خانواده متدین در سال ۱۳۲۸ در قریه چرخ و فلک اولسوالی خوست و فرنگ متولد در سال ۱۳۵۸ بجهاد مسلحانه شروع کرد بعداً مهاجر شد در وقت بازگشت بوطن در قریه اول خیل ولایت میدان بدرجه شهادت رسید .



سلافیض الله عزت الله ﷺ مسکونه ولسوالی چهار دره ولایت کندز که بعد از بابوجود آمدن رژیم کفر دست بجهاد مسلحانه زد و به تاریخ ۱۳۶۰-۱۱-۱٤ بدرجه شهادت رسید.

برهان الدین شهید ۳٤ سال قبل در قریه باسوس ولسوالی چهار دره متولد گردید بابوجود آمدن



رژیم ترهٔ دست بجهاد مسلحانه زد بالاخره بتاریخ ۱۳٦۰-٦-٥ بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید محمد ظاهر د محمد نسیم زوی د لوگر ولایت د برهٔ برک ولسوالی په برهٔ برک را جان کی په ۱۳۳۰ زیږیدلی دی نوموړی خپل تحصیلات د برهٔ برک په لیسه کی تر ۱۲ ټولګی پوری پای ته ورسول ده په ۱۳۵۸ کال کی خپله وظیفه پریښوده او د لوگر په بیلو بیلو سیمو کی یې وسله وال جهاد وکړ تر څو په ۱۳٦۰-۳-۱٤ نیټه د دښمن د یوی زیاتی قوی سره د مقابلی په ترڅ کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

شهید غزنی گل د گل محمد زوی



د پکتیا ولایت د ځاځیو د حسن خیلو اوسیدونکی د اسلام د لیاری یو میړنی او ریښتینی مجاهد و نوموړی د ملحد دولت پرضد په مختلفو بریدونو کی برخه اخیستی ترڅو په ۱۳٦۰-٥-۱٥ نیټه په یوه ناڅاپی نښته کی د ۱۸ کالو په عمر د شهادت لوړ مقام ته ورسید .



شهید غوث الدین دعبدالشکور زوی د کندهار ولایت د دوهمی ناحیی اوسیدونکی یو زړور مجاهدو چی د جهاد په ډګر کی د زمری په څیر جنګیده تر څو په ۱۳٦۰-۱-۲۷ نیټه د کندهار د د شین غزی بابا په سیمه کی د روسی اجیرانو له خوا په شهادت ورسید (انا لله وانا الیه راجعون)



شهید رحمت الله ولد سمندر در سال ۱۳۲۹ در قریه مشوانی سفلی اولسوالی میر بچه کوت متولد موصوف بعد از یک سال جهاد مسلحانه در برج قوس ۱۳۶۰ در یک برخورد با کافران حلقه بگوش بدرجه رفیع شهادت نایل شد .



شهید فتح الله در سال ۱۳۳۶ در علاقه‌داری شیبر ولایت بامیان متولد شد در سال ۱۳۵۸ شروع بجهاد مسلحانه نمود بتاریخ ۱۸-۱۱-۱۳۵۹ در قریه لاله خیل جام شهادت نوشید .

شهید بخت جان د علی محمد زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د حسن خیلو د کلی او سیدونکی او د حسن خیلو د جبهې یو تکړه مجاهد و چې په ۲۵-۱-۱۳۶۱



نیټه د حسن خیلو په سیمه کې د ۱٤ کالو په عمر د دښمن د حملې په ترڅ کې شهید شو .



محمد انور شهید مسکونه کوښکی اولسوالی پغمان که بعد از جنګ شدیدی که در کوتل کوښکی پغمان رخ داد بدرجه شهادت رسید .



شهید عبدالرشید د محمد حکیم زوی د تګاب ولسوالی د اسکین د علاقه داری او سیدونکی یو تکړه او با شهامته مجاهدو د ۱۳۵۸ کال له پیل څخه تر ۱۳۶۰ کال پورې د ملحد دښمن پرضد د جهاد په تاوده سنګر کې و جنګید ترڅو د ۱۳۶۰ کال د حوت په ۲۸ نیټه خپلې لوړې هیلې ته چې شهادت دی ورسید .



شهید عبدالاحد د حاجی ولی محمد زوی د هلمند ولایت د ګرشک د ولسوالی اوسیدونکی و نومورې مجاهد د پر یورې له لیارې د اسلام او اسلامي مجاهدینو لپاره زیات خدمتونه تر سره کړل په پای کې د ملحد دښمن د وحشیانه بمبارۍ له کبله په‌شهادت ورسید .



شهید ګل رحمن د ولی زوی د پکتیا ولایت د خاځیو د خوا - زیخیلو د کلی اوسیدونکی و چې د ملحد دولت پر ضد یې په

مختلفو محاذونو کی وسله وال جهاد کړی نـوسـوری مجاهـد پـه ١٦-٣-١٣٦١ نیټه د ځانځوږ په ستیانومی ځای کی د ملحد رژیم د مزدورانو له خوا د یوه جوړ شوی شوم پلان په ترڅ کی په شهادت ورسید .



عبدالمنان شهید فرزند عبدالقادر باشنده قریه قره باتور اولسوالی چهاردره کندز مجاهدی بود که در جنگ ها باقوای ملحد اشتراک میور زید و بالاخره بتاریخ ١٤-١١-١٣٦٠ بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید محمد نبی مسکونه قریه بالاغیل مرکز چاریکار یک مجاهد فعال بود و در جنگ های زیادی علیه قوای ملحد جنگید ، بالاخره در سال ١٣٦٠ هجری شمسی دریک برخورد باقوای ملحد به درجه عالی شهادت نایل شد .



امام الدین شهید فرزند شمس‌در ولسوالی چهار دره ولایت‌کندز در سال ١٢٢٠ متولد گردید بابوجود آمدن رژیم کفر دست بجهادمسلحانه زد و بتاریخ ١٥-١٠-١٣٦٠ بدرجه شهادت نایل شد .



سر بلند فرزند بوری از قریه سیغانچی‌علاقه‌داری حضرت سلطان که بتاریخ ٥-١-١٣٦١ جام شهادت نوشید .

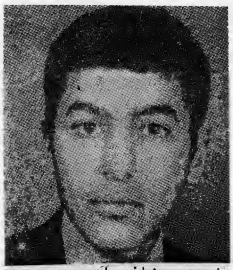
الحاج محمد یعقوب شهید فرزند حاجی محمد اسلم مسکونه قریه مشتانی دره کفشان غور بند ولایت پروان میباشد ، موصوف



بعد از برخورد های شدید باقوای ملحد و بدست آوردن‌پیروزی هادر ٢٤-١٠-١٣٦٠ به اثر بمبارد مان هوای دشمن بدرجه عالی شهادت نایل شد ،



غلام ولد کنجه از قریه سیغانچی علاقه داری حضرت سلطان که بتاریخ ٥-١-١٣٦١ بدرجه شهادت رسید .



شهید رمضان ولد دین محمد مسکونه قریه چیکل ولایت پروان بود که بتاریخ ١٣٦٠ بدرجه عالی شهادت رسید .



شهید محمد قاسم د محمد حسن زوی د کندهار ولایت د دوهمی ناحیی د خروټو د کلی اوسیدونکی په ۱۳۳۸ کال زیږیدلی د کمونستانو د منځ ته راتلو سره سم یی خپل دینی تحصیلات پریښودل او په وسله وال جهاد یی لاس پوری کړ په دی لاره کی یی زیات بریالیتوبونه تر لاسه کړیدی نومورې مجاهد د عمر په ۲۳ کالنی کی د ۱٤۰۱هق درجب د میاشتی په دریمه نیټه د کندهار د چار باغ په سیمه کی د روسی قواؤ سره د مقابلی په وخت کی د شهادت لوړم مقام ته ورسید روح دی شاد اوبا د دی یی تل وی.



شهید عبدالحلیم د هلمند ولایت د گرشک د ولسوالی اوسیدونکی و په اسلامی وسله وال جهاد کی یی فعاله ونده واخیسته وروسته له ډیری مو دی جهاد د دښمن د ټانګ د مرمی د اصابت په نتیجه کی په شهادت ورسید.

شهید نور محمد د حاجی فضل محمد زوی د کندهار ولایت د مرکز په ده خـواجه کی په



۱۳۳٤ش کال زیږیدلی دی ده په ۱۳۵۹ کال خپـل شخصی کارونه پریښودل او د مجاهدینو په وړلو را وړلو کی یی د موټر چلولو له لاری بیشانه خدمتونه تر سره کړل تر څو په ۱-۷-۱۳٦۰ نیټه د دین او وطن د دښمنانو له خوا په شهادت ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید مولوی فضل محمد د تورمل زوی د کونړ ولایت د سرکانو د ولسوالی د برولو د کلی او سیدونکی چی خپل ټول عمر یی د اسلام او مسلمانو په خدمت کی وقف کړی و او د ملحدانو



پرضد یی ډیره و سله و اله مبارزه وکړه ترڅو په ۲۲-۲-۱۳٦۱ نیټه د ملحدانو د سختو بریدونو له کبله په نوموړی کلی کی په شهادت ورسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)

شهید عبدالغیور ولد بردی بای باشنده قریه تربوز گذر اولسوالی قلعه زال ولایت کندز یک مجاهد با شهامت بود بتاریخ ۲۵-۲-۱۳۵۹



بدرجه شهادت نایل شد.



آدینه محمد شهید پسر حاجی

یار محمد یکی از مجاهدین دلیر و با شهامت ولسوالی نهرین بود ، موصوف درهمه جنگ‌ها با روس‌ها اشتراک میورزید ، بالاخره بتاریخ ۲۴-۱۲-۱۳۶۰ در یک برخورد رویا رویی در مقابل دشمن جام شهادت نوشید .



شهیدمحب‌الله فرزندعبدالله مسکونه دشت هوفیان مرکز ولایت پروان که با تهاجم روسها به افغانستان شروع به جهاد مسلحانه نمود ، در جنگ های زیادی اشتراک ورزید بالآخره بتاریخ ۲-۱-۱۳۶۱ بدرجه عالی شهادت رسید .



عبدالله ولد عبدالقادر از قریه سیغانچی علاقه‌داری حضرت سلطان بود بتاریخ ۵-۱-۱۳۶۱ بدرجه عالی شهادت نایل شد .



جان محمد شهید فرزندعبدالاحمد در سال ۱۳۳۹ در ولسوالی نهرین ولایت بغلان متولد گردید موصوف تعلیمات خود را الی صنف دهم ادامه داد ، درین وقت با آمدن مجاهدین در منطقه با آنها یکجا شد ، بالاخره در برج دلو سال ۱۳۶۰ بعمر ۲۱ سالگی بدرجه رفیع شهادت نایل شد.



نماز پهلوان ولد خالگی یکی از مجاهدین با شهامت بود که بتاریخ ۱۵ عقرب سال ۱۳۶۰ در منطقه آقتپه اولسوالی قلعه زال بدرجه شهادت نایل شد .

شهید عبدالمالک د محمد هاشم زوی د هلمند ولایت د ناد علی ولسوالی اوسیدونکی او د اسلام د لیاری د تکړه او زړورو مجاهدینو



څخه و نوموړی په ۱-۱۲-۱۳۶۰ نیټه په شهادت ورسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید فیض محمد د عبدالحکیم زوی د کندهار ولایت د لوړی ناحیی د سدوزو په دانه کی ۲۵ کاله پخوا زیږیدلی ده خپله زده کړه د میرویس په لیسه کی تر ۱۳ ټولګی پورې بشپړه کړه او بیا د ګندهار د نساجی په فابریکه کی په کار بوخت شو نوموړی په ۱۳۶۰ کال د دین د دښمنانو پر ضد وسله وال جهاد پیل کړ او په ۳۱-۲-۱۳۶۱ نیټه دشهادت لوړ مقام ته ورسید .

په کابل کې ...

گروپ په اندازه رنا نه کوی - رادیو - تلویزیون ، بخاری او یخچال او نور برقی الات خو - لا پریږده .

د مجاهدینو له برکته خو د شپې د برښنا په برجو کی مؤظف مامورین لا شپه هم نه تیروی نو دا په دو مره عرض او طول د برښنا وزارت له کومه منځ ته راغی او دا بې سواد جناب راز محمد پکتین بیا څنګه د برښنا وزیر شو .

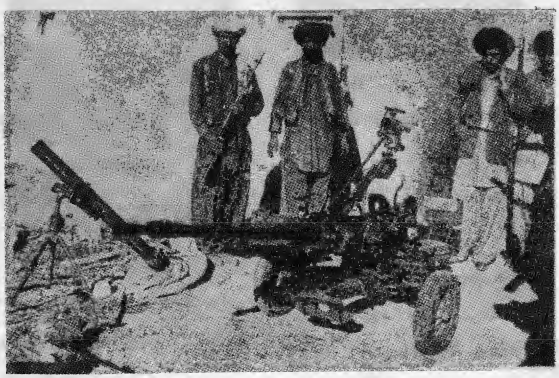
همداسی رادیو وزارت ، د فوائد عامی وزارت چه سرکونه ، پلونه او د لارو نور تاسیسات ئی د روسی ټانکونو د عملیاتو او هوائی بمباریو په نتیجه کی خراب او له کاره وتلی . د عامی روغتیا د طبیبانو له جملی اوس اتیا په سلوکی نشته د لوړو تحصیلاتو وزارت اوس صرف غو لیدلی بخونی او یو څو غولیدلی معیوب زلمیان اداره کوی د شوونی او روزنی وزارت روسی ته یواځی او یواځی د کوچنیانو د لیږلو دنده په غاړه لری .

که حالات یو کال نور هم داسی دوام وکړی نو سواد به له افغانستان نه ټغر ټول کړی .

د مخابراتو وزارت اصلاً ډیرنژدی ولایت ته هم دمخابری توان نلری او دا کار د هغوی د دفاع دتشی په نامه وزارت د مرکزی مخابراتی چینل له لاری چه د روسانو له خوا اداره کیږی ولایتی ارتباط تینګوی او هم دا رنګه د نورو وزارتونو حال درواخلی .

دا دی د روسمل او کمونیزم سوغات .

غالباً کمونیزم دری پښی لری چه هغی ته تبلیغات استخبارات او زور زیاتی وائی او اوس دوارسا د کمپ پلویان او افغانستان په همدی اساس ساتل کیږی .



دتورغره ..

مخ ته نیولی و ، اسمان ئی دروح په یاد د اوښکو مرغلری لوڼلی باد یی له غمه انګولا کوله .

له تور غره نه ټپونه ختل ، که نه هغه به اسویلل ! دو ! دده اسویلل د ګربت وزرونه ئی سوی وو .

ای شهیده ...

مرتبی خاوند یی او ستا د حقی لاری کارناسی او قربانی ستا د پاکی ځیری او د ایمانه ډک زړه ښکار ندوی او د ستا د قربانی او فدا کاری مدرسی د حق د پټنګانو او د آزادی د مینانو پر مخ خلاصی او په کی ټول د غیرت میړانی او قربانی درسونه زده کوی .

نو ته ژوندی یی
او ته د ښه مقام او عزت خاوند یی .

احمد شاه ((وحدت
Ahmad Shah (Wahdat)
A. K. P. O.

زمونږ شعار

- دخدای ج رضا زمونږ هدف دی
- حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زمونږ رهبر دی
- قران کریم زمونږ قانون دی
- فی سبیل الله جهاد زمونږ لاره ده
- دخدای ج په لار کې شهادت زمونږ لوړه هیله ده
- استقلال زمونږ عزت دی
- شرعي حجاب زمونږ پت دی

پته :

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان
فرهنګي کمیته
دنشراتو آمریت
شهید پیغام مجلې مدیریت
پست بکس ۱۸۵





کښی خورا شوبه او ننګینه ورځ ده چی دلمړی ځل لپاره دخلافت په تاکلو کښی د پوهی ، علم او تقوا پرځای ، کورنی اړیکی او نور ارتباطات معیار ګرځیدل ، په لومړی سر کښی خودا کار هومره زیات خطرناک نه بریښیده ځکه چی د هغه وخت زیات خلک په علم ، پوهی او تقوا کښی سره تقریباً برابر او یو بل ته ورته وو نو ځکه د دی کار پیل که څه هم په تیرو دورو کښی ئی مثل نه درلود ، دعامو مسلمانانو ذهنیت د هغه په ضد راونه پارولو .

خود واقعیت او حقیقت له مخی دا دیو لوی او نه جبیره کیدونکی خطر پیل وو، لدی کبله اسلامی علما وو حضرت حسین(رض) چی لدی لومړی انحراف سره د مقابلی په خاطر شهید شوی و ، داسلام له ډیر و سترو شهیدانو څخه وګانه، او تر نن ورځی ئی داسلام په تاریخ کښی په زرینو تورو نوم لیکلی پاتی شوی دی .

په داور انتخاب سره د خلافت باب په یو بل لور ور واوښت ، او دهغې ورځی پیل و شو چی ورو، ورو له پوهانه او عالمانو څخه واک اخستل کیده .

په لومړنیو وختونو کښی کوم شکاره بدلون نه لیدل کیده، ځکه ټولو د علم او پوهی سره مینه او علاقه درلوده د عیاشی او فساد دروازه لا د دربار په لور نه وه خلاصه شوی ، ځکه تر دی وخت پوری اصلاً دربار او بادار موجودیت نه درلود ، بلکه پوهو خلکو د ټولنی لارښوونه په غاړه اخیستی وه .

او کله چی د خلافت لور مقام دربار ته ورته شو ، نو واک او اختیار له نورو څخه زیات د هغه چا په برخه کیدای شو چی دربار ته ئی لاری درلودی ، اویائی د عیش او لوړ ژوند جوړولو هیلو په مغزو کښی چکر و هلو .

دا څای و چی په اسلام پوه خلک له واک څخه وایستل شول ، او په ځانګړی ډول ئی د علم او پوهی د خپرولو لپاره هلی ځلی شروع کړی.

او کله چی بیتقف خلک له واک څخه وشړل شول نو واک د ناپوهو او بی علمو خلکو په لاس کښی پریوت ، هغوی ددی پرځای چی اسلامی امت ، د علم او پوهی په لورولی تل ئی هخه کوله چی د ملت روحیه یوازی همدی ته برابره کړی چی ګنی دی د خدای له خوا پر دوی سیوری او مننه ئی په ښو او بدو ټولو کښی واجب ده .

که څه هم تر اوسی پیړی پوری اسلامی علماو په ځانګړی کوششونو سره د اسلام لپاره هومره خدمت وکړ چی اسلامی مصادر ئی را ټول او د مختلفو علومو ، مختلف کتابونه ئی په جلا جلا ډول تصنیف او راتلونکی نسل ته ئی تقدیم کړل .

خو که چیری پدی وختونو کښی د خلافت منصب هم د اسلامی علماو په لاس کښی وای د اسلامی پوهی معیار به لدی څخه هم خورا وړاندی وای او هغه کړ او ونه چی د واک خاوندانو د اسلامی علما وو په وړاندی پیدا کړی وو نه وای اسلامی علماء د علم او پوهی د خدمت په ګناه په زندانو کښی نه وای اچول شوی له وطنو څخه نه وای شړل شوی وهل اوټکول شوی نه وای دولتی واک او قوت د علم او ثقافت د خپرولو په لیار کښی په کار اچول شوی وای نو په یقین سره ویلای شو چی نن به دا ورځ نه وه ؟

د زمانو او وختونو په تیریدلو سره خبر دی مرحلی ته ورسیده چی د اسلامی علم زده کړه عیب او شرم وګڼل شو . له دربار او واکمن ټولنی سره ئی اړیکی پری او د مال لرونکو ، او لوړو

کورنیو غړو د خپلو ځانو او د کورنیو د غړو لپاره د اسلامی علم زده کړه نه غوره کوله .

لدی کبله پدی ورستیو وختونوکی په خاص ډول هغه وخت چی په گران وطن افغانستان کښی محمد زیو کور نی واک تر لاسه کړ هیڅ داسی مثال نه لیدل کیږی چی هلته دی کوم شهزاده او یا هغه چا چی د واکمنی کورنی سره ئی اړیکی وی داسلامی علم د زده کړی لپاره جوبات ، مدرسی ته تللی اویا په خپل دربار کښی دینی عالم ته ناست وی .

دوی لاڅه چی ملکانو ، خانانو او د بانفوذه او قومی کورنیو غړو هم د اسلامی علم زده کړه نه خوښوله دوی هم خپل ځانونه لدی څخه لوړ ګڼل چی د کورنی کوم غړی بی دینی عالم شی چی بیا خلک ورته ملا صاحب ووائی.

ځکه نو ډیر کم لیدل شوی دی چی دینی عالم دی کومی خانی مال داری او یا نفوذی کورنی ته منسوب وی او هغه هم هغه کسان دی چی د کورنی له اجازی پرته ئی د علم د زده کړی اراده کړی وی .

د دی حالاتو په رڼا کښی نه یواځی داچی د واکمنو ، او واکمنو سره نژدی خلکو د اسلامی علم ز ده کړه شرم ګڼلو بلکه پدی وروستیو وختونو په خاص ډول د یحی کورنی د واکداری په دوره کښی د اسلامی علم زده کړه داسی عیب او شرم و ګڼل شو چی دی کورنی نورو ته هم د اسلامی علم د زده کړی اجازه نه ورکوله .

په هغو اسلامی عالمانو چی په آزادانه ډول ئی د رسونه د رلودل د ژوند ساحه را تنګه کړه د هغوی پرضد ئی پروپاګند او بد تبلیغات شروع کړل چی د خلکو په ذهن کښی دا کینوی هغه عالمان چی له دولت څخه بهر درس او تدریس کوی رښتینی عالمان نه بلکه د پر دیو خلکو نماینده ګان دی .

د هغوی د ژوند وسایل ئی را محدود کړل او هڅه ئی کوله چی عالم ذهنیت دی ته برابر کړی چی ګنی عالمان او ملایان به د ټولنی خیرات خوړونکی او د نورو لاس ته کتونکی خلک وی. د ټولنی په تجارت ، ځمکو او نورو عایداتی کارونو کښی د لاس وهنی هیڅ حق نلری د همدغی فاسدی کورنی د واکمنی په دوره کی دینی عالمان هومره و ربړول شول چی چیرته به کوم دینی عالم او طالب د کار او کسب په لور هڅه وکړه نو دعا مو خلکو له خوا به د دنیا خوښونکی او دنیا طلب ملا په نوم و نومول شو .

د خصوصی او غیر حکومتی د رسونو د ختمولو لپاره ئی پروپاګند شروع کړ چی هغه ملایان او عالمان چی په جوماتونو کښی سبق وائی پاکستانی او بهر ئی ملایان دی چی په دین کښی نوی خبری کوی او زوړ دین له مینځه وړی .

دا نو هغه لویه او درنه وسله وه چی دی فاسدی کورنی او حلقه په غاړه غلامانو به ئی تل د هغو دینی عالمانو پر ضد استعمالو له چی د دی فاسدی او ظالمی کورنی په دام کښی به نه راګیریدل .

که له یوی خوائی د خصوصی د رسونو د له مینځه وړلو پسی بدی را وهلی وی او رنګا رنګ د سیسی ئی ورته جوړولی له بلی خوائی د هغو دینی مدرسو چی په خپل درباری چوکاټ کښی ئی جوړی کړی وی د فعالیت مخه نیوله .

تل ئی هڅه کوله چی له دی مدرسو څخه د خپلی فاسدی دستګاه لپاره د تبلیغاتی هډو په صفت استفاده وکړی او کله به هم چی د کومی مدرسی زده کونکو او استادانو د دی اسلام دښمنی دستګاه



له غیر اسلامی غوښتنو سره مخالفت کولو د هغوی پر ضد به ئی ډیر ژر خپل وحشی او حیوان صفته قوا وی په حرکت راوستلی له مدرسو به ئی شړل بندی کول به ئی او د مدرسو ټړل هم ورته کوم د روند کار نه بریښیدلو .

هو !

له یوی خواخوئی هغه کوالۍ چی د حکومتی مدرسو څخه خپلو فاسدو او غیر اسلامی غوښتنو د پوره کولو لپاره د تبلیغاتی وسیلو په صفت کار واخلی له بلی خوائی د گوتو په شمیر څو محدودی او دینی مدرسی جوړی کړی وی هڅه دوی پوهیدل که د دینی مدرسو شمیر زیاتیږی نو په همغه اندازه به د دوی د غیراسلامی او غیر ملی واکمنی ډله ایز دښمنان زیات روزل کیږی .

برسیره پردی چی دوی لدغو مدرسو څه هیلی در لودی ؟

دا هم یو رو ښانه حقیقت ووچی د دی مدرسو د زده کړو اوښوونکو د ژوند ساحه ، درسی لوازم او په علمی او اجتماعی تولنیزو مرکزونو کښی ئی اهمیت هومره تیټ کړی وو چی پدی آخرو وختونو کښی هغو زد کړو ددغو دینی مدرسو د لوستلوهیلۍ څرګندو له چی په نورو ځایونو کی به ئی دروازی په سخ ټړلی وی .

هو ! دا هم باید و وایو چی نه یواځی دا چی د علم او علماوو سره یی پوره دښمنی در لوده بلکه د علماوو دشرمولو هڅه ئی هم کوله پدی معنا چی .

هغه تش په نامه دینی عالمان چی په لږو پیسو او خورا ناڅیز مقام او عزت ئی خپل علم ، علمی مقام او لویی خرڅو له په پیسو یی اخیستل او هغوی ته ئی امر کولو چی د دوی فاسدو عملونو کړنو ، اوغیر اسلامی تصرفاتوته قرآنی آیات اونبوی احادیث تحریف کړی .

د اتش په نامه اوګوته په شمار دینی عالمان که څه هم په دغو تحریفونو او افتراءاتو سره فاسد او غیر اسلامی دربار ته نژدی کیدای شول . رئیس ، وزیر ، او صدر اعظم هم مقرر یدای شول . خوبرسیره پردی چی دلوی خدای جل جلاله لعنت او عذاب ئی ګټلو د عام ولس په وړاندی هم د دین خرڅوونکی ، اسلام پلوروونکی او سرکاری ملا په نوم مشهرریدلو ، او د ذلت ، شرم ، او غلامی ځنځیرئی چی په غاړه کښی اچولی وو ، هر چاله لیری، او ورایه پیژندلو .

دا نامسلمانه تش په نامه دینی عالمان هر چا ته معلوم وو هر چا پیژندلی وو، نو ځکه ئی د ملت په وړاندی کوم مقام حیثیت او وقار نه د رلود آن تردی چی متل خووائی (د خوار ملا په آذان څوک روژه نه ماتوی) خو د دوی په خوله او فتوانه چا روژه نیوله او نه ئی پری اختر کولو

پاتی پیه (۳۹) مخ کی

"شورای اقتصادی کومیکان"

و

استثمارگران کرملین

امپرا طوری روسیه بعد از جنگ جهانی دوم توسعهٔ قابل ملاحظه یی یافت . روس ها قسمت اعظمی سر زمین های اروپای شرق را که از دیر زمان به آن چشم دوخته بودند به تصرف خویش در آورده و ما بقی آن در نتیجه تقسیمات جهان بین امپرالیزم روس و امریکا به حیث ساحه نفوذ کرملین شناخته شد اما حکمرانان کرملین نخواستند که مناطق مذکور را بطور رسمی ضم امپراطوری خود نمایند ولی در توسعهٔ هر چه بیشتر آن از روسهای قدیم تزاری استفاده نمودند ستالین می دانست که ملت های مذکور به سهولت تحت تابعیت مستقیم روسیه در نمی ایند و آنها حاضر اند که جهت حفظ استقلال شان به مقاومت هـای متداوم دست بزنند که در آن صورت حفظ و استحکام امپراطوری به قیمت گزافی برای روسها تمام می شد .

همچنان روس که بحیث یگانه رقیب امریکا در صحنه سیاست بین المللی عرض اندام نمود و با در نظر داشت اینکه سازمان ملل متحد محل فعالیت های سیاسی قرار گرفته روسها به هواداران و حامیانی در آن جامعه ضرورت داشتند و مجبور بودند که جهت قانونی و منطقی جلـوه دادن نظرات شان آرای هر چه بیشتری در آن جامعه بدست آورند که در صورت انضمام ممالک اروپای شرق به خاک روسیه اراء به نفع روسیه تقلیل می یافت .

ستالین می دانست که از بین بردن و نابود نمودن مخالفین آگاه و فعال روسیه در ممالک اروپای شرق به عنوان این که آنها در مقابل حکومت های ملی و قانونی شان قیام نموده اند کار بسیار اسانی بود و اگر ممالک مذکور جزء خاک روسیه شناخته می شد قیام آنها در مقابل حکمرانان کرملین به عنوان اینکه آن مملکت استعمار گر اشغالگر است بر حق شناخته می شد لذا قتل و از بین بردن آنها باعث عکس العمل جهانیان گردیده روسیه را بصورت واضح در موقف امریکا قرار می داد . لذا کوشیدند که با بکار بردن نیرنگ های مختلف امریکا را استعمار گرو روسیه را ضد استعمار جلوه دهند چون تأثیرات این سیاست در ممالک جهان سوم که بصورت عموم خاطرات تاخ از استعمار غرب داشتند کاملاء مشهور بود لهذا روسها میکو شیدند که ازین روحیه ضد استعمار ممالک جهان سوم به نفع خویش استفاده نمایند چنانکه استفاده ها نمودند .

با آنکه ستالین ممالک اروپای شرق را با خاک روسیه ضم نساخت ولی به هیچ وجه حاضر نبود که به ممالک اروپای شرق ازادی و استقلال بدهد بلکه در